فصلنامه تخصصی مالیاتی
سال سیزدهم انتشار، بهار 1382
(شماره مسیسل 37)

میر معین تولک
دبیر: دکتر محمد توکل
صاحب امتیاز: دانشکده امور اقتصادی

نمره مالیات

<table>
<thead>
<tr>
<th>صفحه</th>
<th>متن</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>2</td>
<td>دکتر فوق عرب مازار</td>
</tr>
<tr>
<td>3</td>
<td>دکتر محمد توکل</td>
</tr>
<tr>
<td>12</td>
<td>دکتر فوق عرب مازار</td>
</tr>
<tr>
<td>19</td>
<td>م. همدانی</td>
</tr>
<tr>
<td>21</td>
<td>م. اسلامی</td>
</tr>
<tr>
<td>24</td>
<td>م. نجفی</td>
</tr>
<tr>
<td>26</td>
<td>م. فرخزاد</td>
</tr>
<tr>
<td>27</td>
<td>م. رضایی</td>
</tr>
<tr>
<td>31</td>
<td>م. علی مؤمنی</td>
</tr>
<tr>
<td>35</td>
<td>دکتر فوق عرب مازار</td>
</tr>
<tr>
<td>37</td>
<td>دکتر فوق عرب مازار</td>
</tr>
<tr>
<td>50</td>
<td>م. کارکن</td>
</tr>
<tr>
<td>52</td>
<td>م. مسعودی</td>
</tr>
<tr>
<td>54</td>
<td>م. علی مؤمنی</td>
</tr>
<tr>
<td>60</td>
<td>م. علی مؤمنی</td>
</tr>
<tr>
<td>62</td>
<td>م. علی مؤمنی</td>
</tr>
</tbody>
</table>

مطالب مجله از زبان تئوری تقلید و مسئولان آن نیست. مجله در راه پیش بر می‌آید و از آنها آزاد است. تقلیل مطالب مجله فقط با دکتر کامی صاحب مالیات (نام مجله مالیات) شماره و تاریخ آن بعلاوه ثامن و برمبد می‌باشد از مطالب رسمی بازگردانیده نمی‌شود.

نشان دهنده مجله مالیات: شماره 39 - خیابان محمد دستکردی (تهران)

تلفن مستقیم: 2234108
از طریق لینک‌های: 3777787877 و maliyat@maliyat. zn.com

پست الکترونیک: maliyat@maliyat. zn.com
به نام خدا

سر آغاز

پس از گذشته زمانی طولانی از انتشار آخرین شماره مجله مالیات، بار دیگر حضور خواننده‌گران سلام نموده و آغاز دگ‌پردازی این نشریه و اعلام می‌دارد. توقف نشر مجله برگری را، مدلی مدیریت و کارکنان آن و با خاطر خواست نامه‌پذیری صورت گرفت و بسیار خوش‌وقتی که بار دیگر توفیق کنگره مجدداً با خواننده‌گران دست داده‌است. یک دست اندک کاران این نشریه، طی مدتی متجاوز از یک دهه تلاش نمودند تا با صرف حداقل منابع، اما با کمی مطالعه و اطلاعات ارزشمند و مناسب مالیاتی و دست پیتی کنند به نحوی که در اینک زمانی تعداد قابل توجهی از امکان‌رخ مالیاتی، میدان، و کلای مالیاتی، دانشجویان و محترف دانشگاهی و پژوهشی از خواننده‌گران آن شدند. 

لی این دوره فترت غالب خواننده‌گران، همان که که بسیاری از شما آگاهید، طی مراحل مکرر جویای وضعیت مجله و خواستار ادامه نشر آن شدند آمیزه‌نگی می‌کرد. این همین مرحله از طریق دیگر و با وارد مراجع دیگر امکان نشر مجله را فراهم آورده که نسبت به پروندهٔ توفیق قرین گردید و در این باب وظیفه خود می‌کرد مراتب سپاس‌گزاری خویش را نسبت به پیوسته‌های مدیریت محترم سازمان امور مالیاتی نشور صمیمانه ابراز دارد.

روش مجله مالیات همان خواهد بود که در گذشت دنیای می‌شد؛ نشریه‌ی امانت‌ی پژوهشی و پرخوردار از خصوص آکادمیک و در عین حال نماد اینک دارای باید همیشه کاربردی از نظر مسائل عملی امر مالیات. ابتدا کوشش همیشه‌ی ما جهت بهبود تدریجی و مستمر که مطالعه مقاله نزار همچنین ادامه خواهد داشت تا به نویسندگان ووشوزار عنايت خواننده‌گران کرده.

با انتشار شماره حاضر، مجله مالیاتی وارد دوران جدیدی از عمر خود می‌شود، و لی در عین حال نمی‌تواند با گذشت خود قطع رابطه کند. از جمله در آخرین شماره نشریه قبل از توقف آن (شماره ۶۳) پاره‌ای مقالات ناتمام مانده و اتصام آنها به شماره بعد موقول

شماره مسلسل ۷۷ بهار ۱۳۸۲
شدهبود. به همین سبب برای تکمیل آنها فکری می‌شد. نقل باقیمانده این مطالب در شماره حاضر امکان نداشت، زیرا بالاتش طولانی‌هستند. به همین سبب از امکان دیگری که در اختیار ماست استفاده کرده و آن سایت مجله مالیات‌ها در شبکه جهانی (اینترنت) است. آنچه از شماره ۲۶ چاپی مجله ناتمام مانده در متن شماره ۳۴ الکترونیک در سایت آمده است. سایت مجله در پایان بخش فارسی شماره حاضر برای آگاهی خوانندگان معرفی شده است.

با آرزوزی توقف خدمت برای خوانندگان نشریه مالیات

على أكبر عرب مازار

********

مالیات و برنامه چهارم

جاگر، چنین عواید نفت و توزیع مجدی درآمد

دکتر محمد توکل

قانون برنامه چهارم توسعة اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۸۶) پس از تصویب مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲۵ مهرماه ۳۳۷ برای اجرا به دولت ابلاغ شد. این قانون شش بخش و هر بخش ۷ جدید فصل دارد (جمعاً ۱۲ فصل مختل بر ۱۶۱ ماده). هیچ این قانون‌ها، صول برنامه مستقلاً به امر مالیات‌ها اختصاص نیافت و مواد مالیاتی در خلال فصول گنجانیده شده است که برخی از آنها در مورد مصرف بی‌پایه و حائز اهمیت هستند. در این مقاله به ترتیب مواد مالیاتی برنامه را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

شماره مسلسل ۷۱، بهار ۱۳۸۴
بندر الف ماده ۲

عنوان فصل اول قانون برنامه «بستر سازی برای رشد سریع اقتصادی» است و در آن به مقولات مهمی در این زمینه اشاره شده است. نخستین مقوله تکیه بسیار بر خارج ساختن درآمد نفت از جریان هزینه‌های جاری دولت و اختصاص آن به سرمایه‌گذاری های بنیادی کشور است. چنان که اکثر سرمایه‌گذاری‌های جامعه (نقث) به معرض فروش گذارده می‌شود، سرمایه‌گذاری چیزهای گران‌فکر آن گردید و حتی المقدور صرف هزینه‌های غیر سرمایه‌ای نشد.

اما اگر دولت از درآمد نفت جهت تأمین هزینه‌های خود مال مورد نیاز، طبعاً باید وسیله دیگری در دسترس او قرار گیرد. بنده الف ماده ۲ این وسیله را معرفی کرده و آن مالیات و سایر درآمدهای غیر نقشی است. متن به الف از این قرار است:

دولت ممکن است سهم اعتبارات هزینه‌های تأمین شده از محل درآمدهای غیر نقشی دولت را به کوتاه‌کردن افزایش دهد که تا پایان برنامه جهاد [آخر سال ۱۳۸۸] اعتبارات

شماره مسلسل: ۳۷ بی‌تار ۱۳۸۴
بندين الف ماده 2 را روشن خواهد كرد که اين نکته با توجه به سابقه عملكرد ها در اين كشور في نفسي از اهميت خاصي برخوردار است.

ماده 4
به موجب اين ماده "برقراری هرگونه تحقيف، ترجيح و يا معافيت از برداشت ماليات (اعم از مستقیم يا غير مستقیم) و حقوق ورودی علیه بر آنچه در قوانین مربوطه تصویب شده است برای اشخاص حقوقی و حقوقی، از جمله دستگاه های موضوع ماده 160 اين قانون در طي سال هاي اين برنامه ممنوع مي باشد" (منظور از دستگاه هاي موضوع ماده 160 كليه سازمانها و موسسات و شرکت هاي دولتی هستند) ماده 4 را مي توان مكمل كردي برای بند الف ماده 2 تليق كرد. بند مذكور كه بالا تر مورد بحث قرار گرفت، مستلزم انفرايش بسيار قابل ملاحظه درآمدهاي مالياتي است و ماده 2 زاه تبرئه قانوني محلتي هاي تازه يا افزلي معافيت هاي موجود را بسته است تا از كاسته شدن درآمدهاي مالياتي جلوگیري نماید. با توجه به حكم مذكور به نحوی انشاء شده كه موضوع را از محدوده زمانی برنامه چهارم فراتر مي ورد. اگر بايستي تا پایان برنامه چهارم اتکا در دولت در تامين هزینه هاي خود از نفت قطع شود و به طور عمده بر درآمدهای مالياتي قرار گيرد، طبعاً وضع به همان منوال در دوران پس از برنامه نيز ادامه خواهد یافت. چه كسي در صورت موقتی اين استراتژی (حتى موقتی نسبی آن) خواهد توانست بگويد كه ديگر بس است، دوره برنامه چهارم سرآمد و اکنون باز مي كرديم به دوران استفاده از درآمدها نفت؟

بنا بر اين بند الف ماده 2 قانون برنامه چهارم را بايد به عنوان يك استراتژي باند مدت تلقي كرد و از هم اکنون به فكر اصلاح و درگوگدني در همازمان نحوا اداره و نظارت، آموزش، كنترل و حتی قوانين و مقررات مالياتي بديل در جهت چنين هدفی مورد ارزشيابي مجدد قرار گيرد و هر اصلاح و تغيير كي در اين زمينه لازم باشد عملي گردد. بديهي است تحولات و رخداد هاي آتي ميزان جديد در پيگريي اجراء و بيدا كردن استراتژی موضوع
انتقال سهام از طریق بورس و خارج از آن
می‌باشد.

받 ف ماده 8

ماده 8 تکلیف وجوه حاصل از فروش سهام شرکت‌های دولتی را معین کرده و می‌گوید این وجوه در حساب مخصوصی به نام خزانه‌داری کل کشور متمرکز می‌شود و به‌شکل مصرف می‌رسد. اولین آنها مالیات است که در خصوص آن ضمن بند الیف ماده 8 گفته شده است: «معادل بیست درصد به عنوان

مالیات بر عملکرد شرکت مادر تخصصی ذیربازی پرداخت می‌شود.»

توجه آن (حساب دارآمدم عمومی کشور).»

توضیح این که به موجب بند الیف ماده 7 شرکت‌های دولتی متعیناً به دو شکل درخواهند آمد، نخست شرکت‌های مادر تخصصی و دوم شرکت‌های عملياتی (نسل دوم). اگر سهام این شرکت‌ها فروخته شود، ۲۰٪ جریان حاصل به عنوان برای حساب‌های مالیاتی پرداخته و می‌گوید: «نقل و انتقال سهام در ارتباط با اجرای بند «و»

این ماده (تا ما) از ادامه انجام و تجديد

شرکت‌های دولتی متعین است

(منظر مالیاتی) از شرکت‌های متعین است

تبریه مالیاتی های تبیرک و دو ماده 1383 قانون مالیتی های مستقیم در رابطه با تبیرک و

مالیات های مستقیم در هر شرط مالیاتی

سال 1388 مالیات های مستقیم (و برخی قوانین

دبیر) قابل اफراش نبوده و مالیات های

تازه نیز نمی‌توان برقرار ساخت. البته در

خود قانون برناهه چهارم چند مورد

مالیات متعین به بینی است که آنها را نیز می‌توان واجد وصف تصویب

شده تلقی کرد و ضمن برقراری مالیات را

بی دوران پس از تصویب این قانون

مرتبت دانست.

بند «و» ماده 7

ماده 7 به مسألة خصوصی سازی

شرکت‌های دولتی پرداخته و به دولت

اجازه داده است در موارد متعین شرکت‌های دولتی را منحل سازد. اینگام کند و

اسامی آنها را اصلاح نماید و یا نسبت

به جایی جنایی و انتقال سهام و داراکی

آنها اقدام کند. بند «و» همین ماده به جنبه

مالیاتی قضیه پرداخته و می‌گوید: «نقل و

انتقال سهام در ارتباط با اجرای بند «و»

این ماده (تا ما) از ادامه انجام و تجید

مالیاتی‌های مستقیم در هر شرط مالیاتی

تبیرک و دو ماده 1383 قانون مالیاتی های مستقیم در رابطه با تبیرک و
بند «ز» ماده ۱۰

ماده ۱۰ به سیستم بانکی کشور مربوط است. بند «ز» این ماده می‌گوید به منظور ایجاد ساختار مالی مناسب در بانک‌ها و فرآیند آوردن زمانی آن‌ها به حجم جهت موفقیت این سیستم باستی سرمایه‌ی بانک‌ها به حد کفایت بررسید که این حد را شورای پول و اعتبار تعیین می‌کند. از جمله طریقی که جهت افزایش سرمایه‌ی بانک‌ها به بین‌نشدن شده، این است که «نهم ساله مبلغی معادل درآمد دولت از محل مالیات و سهم سود دولت در آن بانک بس از واریز به حساب خزانه‌ی داری کل عیناً از محل اعتباراتی که در بودجه‌های سالاتی بیش بینی خواهد شد به صورت تخصیص یافته به منظور افزایش سرمایه‌ی دولت به حساب آن بانک واریز خواهد شد». محتملاً شمار قابل توجهی از بانک‌ها از این امتیاز استفاده خواهد کرد و اگر اینگونه شود، بخش عمده درآمد مالیاتی و سود سهام دولت در بانک‌ها مجدداً به آن‌ها بر خواهد گشت که این خود نتیجه‌ای از هم سنگ معافیت کامل مالیاتی خواهد داشت.

بند «د» ماده ۳۳

متن بند «د» ماده ۳۳ از این قرار است:

۷ شماره مسلسل ۳۷، بهار ۱۳۸۴
الف: صادرات محصولات تمام شده
کالاهای صنعتی
ب: صادرات محصولات بخش کشاورزی
چ: صادرات محصولات صنایع تبدیلی و تکمیلی فراورده های کشاورزی، و
د: صادرات سایر کالاهای مادة مذکور در آمده حاصل از صادرات نوع "الف" و "ب" و "چ" را کامل از مالیات معاف دانسته است، اما در آمده ناشی از صدور کاهشی نوع "د" را فقط تا پنجم درصد از مالیات معاف کرده است. اکنون اگر بند "د" ماده 121 قانون برنامه را در رابطه با چهار گروه فوقی (مذکور در ماده 121 قانون مالیاتی) در نظر بگیریم، ظاهر قانون احیاً تناوبی به شرح زیر به دست خواهد داد:

الف: قانون برنامه از عبارت "برقراری مالیات" استفاده کرده است که می تواند تعیین دوگانه ای را به همراه آورد. نخست این که منظور وضع مالیات جدید است، به این معنی که در طول برنامه مالیات تازه ای برای صادرات وضع نشود، ولی اگر در گذشته جزئی مالیاتی برقرار شده باشد، کمک کننده اجرای خواهد بود. تعبیر دوم می تواند این باشد که منظور عدم تعلق مالیات در دوران برنامه است,

2. صادرات نوع "ب" عناصر محصولات کشاورزی فراورده نشده نیز کمک کان از معافیت مالیاتی برخوردار خواهد بود، اما
ازداد از کلیه حقوق و روده عوارض (به استثنای عوارض موضوع ماده 10 قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۶/۴) و مالیات معافیت باشد. (ماده 10 قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی به سازمان هر منطقه اجرا می‌شود با تصویب هیات وزیران و در مقابل انجام خدمات شهری و تسهیلات مختلف از اشخاص حرفه‌ای و حقوقی عوارض اخذ نماید)

ماده ۴۷

این ماده جزئی از فصل چهارم است. با عنوان «توسعه مبتنی بر دانش». مسائل راجع به پیشرفت علمی و تکنولوژیک موضوع فصل ذکر است. از جمله ضمن ماده ۴۷ در همین فصل، مقوله پارک‌های علم و فناوری مطرح شده است. عنوان پارک علم و فناوری (technology park) به محلی، اعم از فیزیکی یا مجازی، اطلاق می‌شود که در آن شماری قابل توجهی از شرکت‌ها و مؤسسات با هدف بالا بردن قابلیت‌های حوزه نفوذ و عمل خود به کار تحقیق و تربیت در زمینه‌های علمی و تکنولوژیک که اگر چنین باشد حتی مالیات‌های وضع شده از قبل نیز در طول برنامه غیر قابل وصول خواهد بود. جناب‌عمیلی قضیه‌ای از اینجا ناشی می‌شود که ماده ۱۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم درآمد حاصل از صادرات «سایر کالاهای» را پنجم درصد معاف دانسته و پنج‌میلیون باقی را مشمول مالیات قرار داده است. بحث بر سر همین مالیات پنجم درصدی است که اگر از تعبیر فوق اول را پذیرفتم، این مالیات متعلک به پنجم درصد درآمد صادراتی سایر کالاهای کمک‌انجام قابل وصول خواهد بود. اما اگر تعبیر دوم قبول شود، چنین مالیات‌ها در طول برنامه قابل وصول نخواهد بود (نگارنده متما‌مل به تعبیر نخست است). گنشته از این، اگر برخی از «سایر کالاهای» مورد بحث را بتوان مشمول عنوان «مالیه اولیه فراوری نشده» دانست، چنین کالاهایی به هر حال مشمول عوارض ذکر در بند «د» ماده ۴۷ قانون برنامه خواهد بود.

بند «و» ماده ۳۵

به موجب این بند «مبابلات کالا بین مناطق آزاد و خارج از کشور و نیز سایر مناطق
مالیات های زیست محیطی (معروف به مالیات های سبز) نشده است. چنین مالیات هایی در جهان امروز بسیار مورد توجه بوده و جزء لاینفک اقدامات مربوط به محیط زیست به شمار می روند. جای این مقوله در متن فصل پنجم خالی است.

ماده ۸۷
این ماده به نظام درآمد - هزینه استاتی، راجع است و طبق آن دولت مکلف شده است چند قلم درآمده را «به عنوان درآمد استاتی وصول از طریق خزانه داری کل به خزانه معین استاتی واریز و در اجرای وظایف جاری و عملی استاتی هزنتی نماید.» در قلم اول از این اقلام عبارت از «کلیه مالیات های مستقیم به استثنای مالیات بر شرکتها دولتی و مالیات بر کالاهای و خدمات به استثنای حقوق ورودی.» بند (ب) ماده ۹۵ (فصل هشتم)
فصل هشتم قانون برنامه برقراری عدالت و ثبات اجتماعی و کاهش نابرابری های اجتماعی و اقتصادی را مورد توجه قرار داده و دولت را به اخذ اقدامات لازم در این زمینه مکلف نموده است. «اعمال اشتغال دارند (نظرداز از محل مجازی محدوده عمل تكنولوژی اطلاعاتی و الکترونیک است).

و ایشان مستقر در چنین مراکزی در جهت انجام امور مالیاتی محوله از مزایای قانون مناطق اثاث در خصوص روابط کار، معاونیت های مالیاتی و عوارض سرمایه کدادری های خارجی و مبادلات بین المللی برخوردار» خواهند شد. متن ماده در این خصوص به نحو خاصی تنظیم شده و در آن گفته می شود «اگرچه داده می شود» واحدهای مورد بحث از آن مزایا برخوردار شوند و گفتگو نشده است که برخوردار خواهند شد. این اجازه چگونه از قوه به فعالیت در خواهد آمد؟ آیا باید دولت در مورد شکایات تصمیم گیری کند یا همین متن قانون را باید به منزله برقراری امتیاز مورد بحث دانست؟ هر دو وجه قابل دفاع به نظر می رسد ولی به نظر نگارنده وجه در اقوی است.

فصل پنجم قانون
این فصل مسأله محیط زیست را مطمح نظر قرار می داده و احکام مفصلی در این باب جاز ساخته است. اما عجب این که در هیچ یک از این احکام و مواد اشاره ای به
سیاست های مالیاتی با هدف باز توزیع عادلانه درآمدها به عناوین یکی از عمده ترین سیاست‌های مصرفی شده است که بايد برای رسیدن به اهداف فوق دنبال شود. این دو مین حکم استراتژیک مالیاتی است که در متن قانون برنامه چهارم گنجانیده شده است. در این رابطه تأکید به عمل آنده است که دولت مكلف است ظرف شش ماه پس از تصویب این قانون نسبت به بازگری مقررات و همچنین تهیه لواحق برای تحقق سیاست های دیل اقدام نماید. یکی از این سیاست‌های هماهنگی سیاست مالیاتی با هدف توزیع مجدد و عادلانه درآمدها است. پس بايد منتظر اقدام عادلان در زمینه اصلاح قانون مالیاتی های مستقیم در همین زمینه بود. اصلاح قانون همچنین در زمینه هدف استراتژیک

نشانی پست الکترونیک - هنیه فصلنامه مالیات
به سایت زیر مراجعه فرمایید:

www.maliyat.zzn.com
قراردادهای مالیاتی مضافع
و
مبادله اطلاعات مالیاتی

دکتر علی اکبر عرب مazar

امروزه با گسترش بیش از پیش تجارت جهانی و جهانی شدن فعالیت‌های اقتصادی، قراردادهای اجتناب از اخذ مالیات مضافع توسعه و رواج بسیاری پیدا کرده اند و روز به روز بر شمار آنها افزوده می‌شود. ایران نیز طرف بسیاری از این گونه قراردادهای است و همواره در جراید می‌خوانیم که قرارداد تازه ای در همین زمینه با کشورهای جدیدی منعقد می‌شود.

قراردادهای مالیات مضافع کنونی غالباً بر پایه الگوی ارائه شده از سوی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) که دربر گیرنده ۲۰ کشور اکثر ایران و پرشورتره و صنعتی جهان است، تنظیم و تدوین شده اند. طبق برآورد سازمان مالیات (ژوئیه ۲۰۰۷)

تعداد کل قراردادهای منعقد شده بر اساس الگوی فوق از ۲۰۰۰ تجاوز می‌کند.

عنوان کامل الگوی مورد بحث از این قرار است: «کنوانسیون مالیاتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در باب اجتناب از اخذ مالیات مضافع و همکاری برای جلوگیری از فرار مالیات در رابطه با مالیات پر درآمد و سرمایه‌ای» (پراب مالیات بر اثر کنوانسیون دیگری از سوی همین سازمان تدوین شده است). با توجه به همین عنوان، موضوع قرارداد علاوه بر ممانعت از اخذ مالیات مضافع، همکاری برای جلوگیری از فرار مالیات نیز هست. یکی از مصایق بسیار بارز این همکاری مبادله اطلاعات مالیاتی بین کشورهای طرف کنوانسیون است. در حال حاضر تسهیلات و امکانات بیشماری در برای فعالان اقتصادی و تجاری گشوده است. نقل و انتقال سرمایه، کالا، نیروی کار، خدمات و
اطلاعات به سرعت روز افزونی صورت می‌پذیرد و از اهمیت مرزهای بین کشورها به عنوان عامل محدود کننده ارتباطات و معاملات مربوط به کاسته می‌شود. با توجه به وسعت و حجم عظیم این کشورهای متعال تمام نیازی به کفتن نیست که آنها چه مقام مهمی را به عنوان منبع درآمد مالیاتی برای همه کشورها تشکیل می‌دهند. تحت این حسابی، همکاری بین دولت‌ها در تبادل اطلاعات لازم برای کشف و اخذ مالیات از چنین منابعی به طور روزافزون حائز اهمیت می‌گردد.

به همین مقوله احترام داده شده است. نخست به بیانیه OECD ماده ۲۴ کنوانسیون مدل قراردادهای مالیات مشابه ایران در این رابطه متضمن چه احکامی هستند. به نمونه ای از قراردادهای جدید ایران مراجعه می‌کنیم. این قرارداد بین ایران و اتریش منعقد شده و پس از تصویب مجلس در تاریخ ۱۳۸۲/۱۲/۵ برای اجرای یکدیگر ریاست جمهوری ایران و OECD راجع به تبادل اطلاعات است. متنی به شرح زیر دارد:

ماده ۲۴ - تبادل اطلاعات

مقامات صلاحیت‌دار دو دولت متعاهد اطلاعات ضروری برای اجرای مقررات این موافقت‌نامه را مبادله خواهند کرد. مفاد ماده «۱۱» موجب تحديد تبادل اطلاعات مزبور نمی‌شود. هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاهد دریافت می‌شود، به همان شیوه ای که اطلاعات به دست آمده تحت قوانین داخلی آن دولت نگهداری می‌شود به صورت محرمانه تلقی خواهد شد و فقط برای اشخاص یا مقامات (از جمله دادگاه‌ها و مراجع اداری) که به امر تشخیص وصول اجرا با پیگیری استغلال دارند یا در مورد پژوهش‌ها و مطالعات یافته‌های مربوط به مالیات‌های مشمول این موافقت‌نامه تصریح گیری می‌کنند، فاش خواهد شد. اشخاص و مقامات یادشده اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنان می‌توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی های علیه دادگاه ها یا طی تصمیمات قضایی فاش سازند.»

این متن می‌تواند با بیش از ماده ۲۴ متن قدمی کنوانسیون مدل OECD باین تغییراتی اقتباس شده است و اصلاحات اخیر کنوانسیون در آن انعکاس دیگری به موضوع این اصلاحات می‌پردازد و متن جدید ماده ۲۴ را در مجموع مورد بحث قرار می‌دهد.
اصلاحات ماده ۶۴ کنوانسیون

متن قبیل ماده ۶۴ (که می‌نينا کار قراردادهای ایران است) در سال ۱۹۷۷ (حدود ۲۷ سال پيش) تنظیم شده و از آن سال تا کنون تغییر مهمی در آن صورت نپذیرفته بود. طی این مدت بازرگانی بین المللی و شرایط آن دست‌خوش تحول و توسعه اساسی شده و مسائل مالیاتی بسیاری را پیدا آورده است که توسطه دامنه تبادل اطلاعات بین کشورها را پيش از پيش ايجاب مي نمايد. هدف از اصلاحات مورد بحث نيز پاسخ دادن به همين نياز مراجع مالياتي به سبب تحولات اجتذاب نابيپر دهه هاي اخير بوده است. بررسي و مطالعه در اين زمينه در ارگان های ذيربط (و نيز خارج اين سازمان) از مدت ها پيش جريان داشته که بنتاليح چند ماجر گرديد. از جمله:

1. تدوين یک قرارداد مدل در باره مبادله اطلاعات در زمينه مسائل مالياتی.
2. انشطار گزارشي تحت عنوان "بهبود دسترسی به اطلاعات بانکی برای مقايد مالياتی".
3. اصلاح ماده ۶۴ کنوانسیون مدل که موضوع مقاله حاضر است. اين اصلاحاتي اواخر زوئيه سال کنسته ميلادي به تصويب كميتی امور مالي سازمان OECD رسيد. متن جديد ماده ۶۴ پس از اصلاحات اخير به شرح زير است:

«ماده ۶۴ - مبادله اطلاعات»

1. مواقف صالحين در دولت هاي متعاهد اطلاعاتي را مبادله خواهند كرد که به نحو قابل پيشه بينی با اجرای مقررات اين كنوانسیون يا اداره و يا با اجرا نهادن قوانين راجع به ماليات هاي وضع شده از سوی دولت هاي متعاهد. يا تقسیمات فرعي و سياسي و يا مراجع محلی ايشان، از هر نوع و يا هر گونه مشخصات، مرتبط باشند، البته تا چاپ كه ماليات هاي موضوع قوانين مذكور مگاير كنوانسیون حاضر نباشند، مواد ۱ و ۲ موجب محدوديت تبادل اطلاعات نخواهند شد.
2. هرگونه اطلاعاتي که به موجب بند ۱ از سوی یک دولت متعاهد دریافت مي شود به همان نحو که در مورد اطلاعات كسب شده طي قوانين داخلی همان دولت مرسوم است، محرمانه تلقي خواهد شد و فقط برای اشخاص و مراجع (مشتمل بر محاكم و دستگاههای
اداری) که با امر تشخیص و وصول، به اجرای نهادن، تعقیب، یا تصمیم گیری در مورد یک موضوع یا کلیه‌ای نسبت به مالیات‌های مذکور در بند یک مربوط هستند، و با مراجعه مشرف بر آن، قابل افسانه خواهد بود. چنین اشخاص و مراجعی اطلاعات مذکور را فقط برای منظور یا پلاکشه مراد استفاده قرار خواهند داد. آنها می‌توانند این اطلاعات را در دادرسی‌های علیه محکم‌آی یا طی تصمیمات قضایی فاش سازند.

۳. مقررات بند های ۱ و ۲ این مجازی نمی‌پذیرد. چنان تعبیر شود که یکی از دولت متعاون وکالت و یک هم‌قرار با قوانین و روحیه اداری همان دولت یا دولت متعاون دیگر قابل تحقیق نباشد.

۴. اطلاعاتی که ارائه داده که تحت قوانین یا طی چرایی معمول به اداره همان دولت یا دولت متعاون دیگر اتخاذ نماید.

۵. اطلاعاتی که ارائه داده که صرف اشتراک گذاری به کاندیداه هرگونه اسرار یا حق شغله ای می‌شود، یا صرف اشتراک گذاری به کاندیداه را فاش سازد که افشاگر آنها مجازی سیاست عمومی (نظام عمومی) باشد.

۶. هرکامی که از دولت متعاون اطلاعاتی را به طبق این ماده در خواست کند، دولت متعاون دیگر اقدامات اطلاعاتی و در پیشینه تحصیل اطلاعات مورد تقاضا به کار خواهد برد، هرچند که دولت آنها به چنان اطلاعاتی از مقصد مالیاتی مربوط به خود نیازی نداشت به شک.

۷. تبعید مندرج در جمله کلیه مربوط به محدودیت‌های بند ۲ خواهد بود، ولی محدودیت‌های مذکور در این مجازی نمی‌پذیرد. به نحوی تعبیر شود که یک دولت متعاون را مجاز سازد از ارائه اطلاعات صرف نمی‌گردد. این که از نظر دانشی علیه و نیازی به چنان اطلاعاتی وجود ندارد، امتیاز ورزد.

۸. در این مورد مقررات بند ۲ را نمی‌توان به نحوی تعبیر نمود که یکی از دولت متعاون را مجاز سازد از ارائه اطلاعات صرف نماید. به این جهت امتیاز ورزد که اطلاعات مورد نظر را یک بانک یا مؤسسه مالی دیگر، یک سهامدار اسبق یا شخصی نگهداری می‌کند که می‌کند که یک عامل یا امین به شمار می‌رود و یا به این جهت که چنان اطلاعاتی به علائق مالکیتی اشخاص
ارتباط دارد.
اینک به بررسی متن جدید می پردازیم:

بلد یک ماده ۴۶

این بند حکم اصلی راجع به مبادله اطلاعات بین کشورهای عضو را بیان داشته است. در متن قبلی کنوانسیون گفته می شد اطلاعاتی قابل مبادله است که برای اجرای کنوانسیون یا قوانین داخلی مالیاتی ضرورت داشته باشد (such information as is necessary). و ازآن ضرورت سخت گیرانه است و اثبات وجود ضرورت کار آسانی نیست و در نتیجه می تواند به منظور نوعی تضییق در راه تبادل اطلاعات تلقی شود. همان گونه که بالا تر اشاره شد، هدف از اصلاحات اخیر ایجاد سهولت بیشتر در راه مبادله اطلاعات بوده است تا دولت‌ها را در وصول مالیات طی شرایط جدید بازرسگانی و مبادلات بین المللی پایدار ندهد.

لذا بجای ضرورت از اصطلاح «به نحو قابل پیش بینی مرتبط بودن» (foreseeably relevant) استفاده شده است. به این ترتیب کافی است بتوانی پیش بینی نمود که اطلاعات مورد نظر ممکن است با اجرای آن نامه یا قوانین مالیاتی داخلی به نحوی ارتباط پیدا کند و این را می توان به منظور آسان سازی قابل ملاحظه کار در قیاس با اصطلاح «ضرورت» تلقی نمود. البته ارتباط منکور به هر تقدیر باید به عنوان ضابطه حد اقل در نظر گرفته شود و در صورت نبود چنین حد اقل ارتباطی، دولت های متعاهد می توانند از ارائه اطلاعات خودداری کنند.

نکته دیگر - بودن در قیاس با قراردادهای مالیاتی مضاعف ایران - نوع مالیات هایی است که می تواند در باره آنها به کسب اطلاعات پرداخت. ماده ۴۶ همان قرارداد ایران و اتریش، که بالا تر به نقل متن آن پرداختیم، در این رابطه عبارت «مالیات های مشمول این موافقت‌نامه» را به کار برده است. ماده ۲ موافقت‌نامه مالیات های مشمول را بر اساس است که عبارتند از مالیات بر درآمد و مالیات بر دارایی. بنابراین این اطلاعات مورد بحث را فقط می توان در مورد آنها درخواست نمود. و هرگونه مالیات هایی دیگری، از جمله مالیات های غیر مستقیم (در آینده مشتمل بر مالیات بر ارزش افزوده) مشمول موافقت‌نامه.
نیوده و در نتیجه اطلاعاتی در خصوص آنها قابل مطالبه نخواهد بود. ولی ماده ۲۶ کنوانسیون دامنه ای بس و نمی‌تواند این دارد. در آنجا سخن از مالیات «به حرف و با هر مشخصاتی» است و یعنی وسعت دامنه شمول در جهت همان نیت تدوین کنندگان کنوانسیون است که دامنه تبادل اطلاعات را هرچه وسیع تر سازند تا بتوان از عهده‌ی مشکلات ناشی از اوضاع و احوال جدی جهانی برآمد.

البته نباید شرط محدود کننده دیگری در متن کنوانسیون (و نیز قراردادهای ایران) را از یاد برد و آن این که مالیات های مورد نظر به هرجال نباید با مفاد کنوانسیون مغايرت داشته باشد. به عنوان مثال مالیات های تبعیض آمیز از جمله مالیات های مغایر کنوانسیون به شمار می‌رود، مانند این که مالیات مربوط در حق خارجیان سنتگین در اتباع کشور برقرار شده باشد و دولتی که چنین مالیاتی را وضع کرده بخواهد در همان مورد از دولت مقابل اطلاعاتی به دست آورد.

اصلاح دیگر بند یک کنجنیدن دو لفظ «اداره» و «به اجرای نهادن» در رابطه با قوانین داخلی مالیاتی است. قبل از ارتباط با هر دو دسته، یعنی مفاد کنوانسیون و قوانین داخلی، به طور یکسان سخن از اجراء (carrying out) در مورد قوانین مالیاتی داخلی به کار برده شده است. آن مفهومی که در زبان فارسی اجرای قانون نامیده می‌شود در بطن اصطلاح نخست قرار دارد و لی دامنه این اصطلاح از آن وسیع تر است و امر مدریبی امور مالیاتی به طور عام را در بر می‌گیرد. به این ترتیب فرضً اطلاعاتی را هم می‌توان درخواست کرد که جنبه کلی داشته و در مورد آن پای مورد عینی در میان نباشد. به عنوان مثال می‌توان بر سر کرد که در مورد مالیات معینی نوعاً چه ترفندی برای استفاده از مقررات قانونی به منظور تقلیل بار مالیاتی راجع است و یا انتخاب گزینه‌های متناوب مالیاتی کدام اند. این اطلاعات برای اداره امور مالیاتی می‌توانند مفید باشند، صرف نظر از این که به مؤدی یا موردی خاصی اشاره شود.

اما لفظ دوم یعنی enforcement نوع خاصی از اجرای قانون است و معنوی متمدن اجرای قهرمان است. در ایران از اصطلاح «به اجرای گداردن» در این مورد استفاده می‌شود.
که در ترجمه فوق نیز به همین ترتیب عمل شده، اجرای قانون به طور عادم در بطن همان وازه‌نخمست یعنی لطف اداره (administration) نهفته است.

اصلاح دیگر بند یک ماده ۶۸ مربوط به جمله آخر آن است. پیش‌اکنونی شده بود که ماده ۱ کتوانسیون موجب محدودیت تبادل اطلاعات نمی‌شود. ماده ۱ کتوانسیون مفاهیم قرارداد را ناظر بر اشخاصی می‌داند که مقيم قلمرو یکی از دولت طرف قرارداد باشد و با توجه به آن، مفهوم جمله اخیر بند یک ماده ۶۸ این است که مبادله اطلاعات حتی در صورتی مجاز است که مؤدی مورد نظر مقيم هیچ یک از دو کشور طرف قرارداد نباشد. اگر اصلاحیه اخیر، ماده ۶۸ را نیز به حکم مذکور افزوده است، ماده ۲ اشاعه مالیات‌های موضوع کتوانسیون را به می‌شمارد و به این ترتیب اصلاح اخیر بند ۱ ماده ۶۸ به مفهوم آن است که تبادل اطلاعات در مورد سایر اشاعه مالیات نیز جایز است. هرچند که نوعاً جزء مالیات‌های مذکور در ماده ۲ نباشند، نظیر مالیات‌های غیر مستقیم که قبل از آن اشاره شد.

طرح مبادله اطلاعات

در تفسیره سازمان OECD نسبت به ماده ۶۸ کننده شده است که مبادله اطلاعات ممکن است به سه تکنیک انجام یابد. نخست بر حسب تفاوضا یعنی یکی از دو طرف قرارداد تقصیف خود در این زمینه را به طرف دیگر تسلیم دارد. دوم یک مبادله علیه الرأس و خوددار است. در این فضای می‌توان قرار گذاشته در هر سه مورد که منبع درآمده در یک کشور متعاهده، اما دریافت کننده درآمده در کشور مقابل اقامت دارد، اطلاعات مربوط به طور سیستماتیک از سوی کشور اول به مقامات مالی اشتهای کشور دوم اعلام شود. راه سوم مبادله داوطلبانه است و آن در حالی است که دولتی در بررسی های خود به اطلاعاتی دست یافته که آن را برای طرف مقابل نیز می‌فظبداند و نسبت به ارسال آن اقدام کند. البته می‌توان ترکیبی از این شیوه‌ها را به کار برد و نیز منعی ندارد که کشورهای متعاهد شیوه‌های دیگری را مفید بدانند و از همان استفاده کنند. (باقی در شماره آینده)

منبع: در مورد متن ماده ۶۸ اصلاحیه و تفسیره آن و سایر اطلاعات مربوط از جمله مراجعه شود به:

شماره مسلسل ۷۷ بهار ۱۳۸۴
اصلاحات پیش روی قانون مالیات‌های مستقیم

م. ت. همدانی

در همین شماره از مجله مالیات‌های مستقیم ای تحت عنوان مالیات و برنامه‌های مستقیم، مدیریت مالیات‌های مستقیم می‌دهد، مدیریت مالیات‌های مستقیم به‌طور کامل و به‌وسیله مدیریت مالیات‌های مستقیم در رابطه با اصلاحات تازه‌ای که به‌طور عمده این مقاله می‌پردازد، در مقام‌های حاضر نگاره نظر خود را اصلاح قرار دارد. باید به‌خوبی می‌باشد و می‌تواند مورد اصلاح قرار گیرد.

نرخ مقطع مالیات بر اشخاص حقوقی

رایج به‌خوبی مطلب پیش‌تر نیز در همین نشریه سخن به میان آمده است و اکنون که سوالهی اصلاح مجدد قانون به میان آمده است، مناسب است مناسب می‌داند به عنوان یک پیشنهاد اصلاحی بی بحث تازه ای پیروی آن پردازد. اصلاحیه سال 1380 که قانون مالیات‌های مستقیم را دستخوش دگرگونی فاحشی نموده است، آنها با تولیت قانون‌گزاران دوره پیشین مجلس با به‌عرض‌های به‌توجه رسانده و به‌تصویب رسیده، یکی از تغییرات عمده آن که در این قانون صورت پذیرفت به مالیات‌های حقوقی مربوط می‌شود. بر اثر آن پردازد. داده که بدون تمایل نسبت به همه شرکت‌ها و سایر اشخاص حقوقی قابل اجراء دانسته شد. زاده بر این تغییر ساختار، به دیدگاه مالیات بر شرکت‌های حقوقی که به‌موجب مقررات قبلی علاوه بر نرخ‌های اشخاص حقوقی ممنوع‌شده همین وضع را حفظ کرده‌اند. تغییرات یادشده را را دو جهت زیر مورد بحث قرار می‌دهیم:

شماره مسلسل 27 بهار 1382
یکم: مسائل عدالت مالیاتی

نتیجه‌ی یک نظریهٔ شدن مالیات بر اشخاص حقوقی بلافاصله این است که شرکت‌های کم‌بپزاع و دارای سود مشمول مالیات اشکال و نهایی همان بار مالیاتی را تحمل کنند که شرکت‌های عظمی و برخوردار از منافع سرشار و نجومی، که این کیفیت طبیعی از شخص حقوقی یعنی شرکت به شخص حقیقی یعنی سهامدار منتقل می‌شود. سهامدار خرده‌پای یک شرکت کم مایه‌های همان بار مالیاتی را بر دوش می‌کشد که سهامدار به‌شکلی که شرکت عمومی و بر سود قابل توجه این که بنی به حکایت سوابق مربوط به تدوین اصلاحیه‌های مورد بحث دست انداد کردار آن دقتی‌ای بنیاد اقدامات خود را نگه‌ی بر عدالت مالیاتی قرار داده بودند. در گزارش‌های شده‌ای از سوی گروه کارشناسی منصوب چه جهت بررسی و تهیه طرح اصلاحیه‌ای یک سلسله اصول ذکر شده بود که آنها را اصول حاکم بر این اصلاحات معرفی کردند. ضمن آنها به این اصل اشاره شده‌بود: «تنظیم اصلاحیه قانون مالیات‌ها دای کمک در پیش‌توسعه اقتصادی و استقرار عدالت اجتماعی و تأمین درآمد دولتی». در مذاکرات مجلس شورای اسلامی نیز روی همین اصول تاکید شده‌بود (ملل‌نامه شور گزارش مخیکی‌نشین اقتصادی، مصوب مذاکرات مجلس، جلد ۱۷۸ مصخص ۸۰ ص ۹ نسخه دوم). در همه‌ای اضافه‌ی می‌کنیم که تبصیره‌ی ۲ ماهه ۴۰ اصلاحیه سهمداران را نسبت به سود سهام‌های سهام شرکت خود از هرگونه مالیات دیگری معاف دانسته است.

وضع در سایر کشورها

مکان است در پاسخ گفته شد که اتخاذ نزدیک تری در برابر شرکت‌ها مورد توجه شمار دیگری از کشورها به و از کارهای مقبول زمان حاضر به شمار می‌رود. البته این گفته از حقيقة برخوردار است. اما در مقالات قوانین مالیاتی آن کشورها دارای مکاتشفی‌ی است که جبران مالیاتی است که مکان و مایهٔ این گفته‌ی را از مبادل تهیه می‌کنند. نام مکاتشفی مورد بحث است که تنوان آن به سیستم اعتبار مالیاتی یا سیستم انتساب تعیین نمود. بر اساس این نظام، مبایلی که تحت عناوین مالیات بر شرکت به نزد مقطع پرداخت می‌شود به عناوین نوعی اعتبار یا پستنکاری به نفع صاحبان سهام تلقی می‌گردد و زمانی که به حساب مالیاتی شخصی هر سهامدار رسیدگی می‌شود. سود سهام دریافتی وی نیز یکی از این اقلام درآمدهای سالانه اش را تشکیل داده و با سایر درآمدها جمع می‌شود و مشمول مالیات قرار می‌گیرد. سپس آن‌چه تحت
عنوان مالیاتی یک نرخی شرکت قبل از شروع فعالیت بود به نسبت سهم‌های به ویژه عملکرد مالیاتی منظور و از بهده او کسی می‌گردد. به این ترتیب آن عدالت مالیاتی که در سطح شرکت ناپدیده گرفته شده بود در سطح سهامداران جبران شده و ملحوظ می‌گردد (برای آن که این مدل به نیازهای دیگر که در محاسبه مالیات سهامدار، وی مکلف است سود سهام دریافتی را به تناسب مالیات پرداخت شده در سطح شرکت ناخالص کند و به این شکل به سایر درآمد‌های بی‌افزایند). حتی ممکن است در مورد برخی از سهامداران که در آن مالیاتی آنها با حساب‌سازی سهام سهام پایین است، محاسبات مربط به این نوعی برسد که اعتبار مالیاتی تعلق گرفته به وی از بدهی مالیاتی شخصی از تجاوز می‌کند. به عنوان مثال سهامدار خرده‌ای که در این مالیاتی شخصی از چنین رقیق از درآمد مشمول مالیات برسد که با اعمال نرخ تصاعدی نازل، به‌طور مالیاتی اندکی پیدا کند و این بدهی از اعتبار مالیاتی که بآمر اعمال سیستم مذکور به نفع افراد شده‌اند، کم‌تر باشد. در آن صورت تفاوت حاصل بر مودیه مسترد می‌گردد چه این ترتیب عدالت مالیاتی رعایت شده‌باشد.

اکنون بیانیم در ایران وضع از چه قرار است. قبل از اصلاحات سود به مقدار یک در قانون مالیاتی وجود داشت طال مالیات بر چور درآمد. هدف از آن برقراری مکانیزمی بود که و بیش از واند کاگیرنی همان سیستم انتصاب‌یا اعتبار مالیاتی رایج در جهان غرب شود. این بخش از قانون در ایران به درستی به مرحله اجرا ناهدته نشد و ضمن اصلاحات اول‌اندی سال 1380 رسما به عمر آن خاتمه داده شد. اما 1329 کلاند حکم‌گیری (هرج و هشیار) که به کمال تعمیر و اعمال آن کمک کننده در متن قانون واقع است و حذف نگردده است. از طرفی همان گونه که گفتیم سود سهام پایه اسپم الشرکه به طور کلی از هرگونه مالیات متعادل شده است.

واضح است که در چنین وضعی راه جبرانی برای عدالتی که در مرحله مالیات بر شرکت به زیان مالیاتی خانه ضعیف و سهامداران کم می‌آیست می‌تواند شکسته شده و وجود ندارد. اگر کسی موضوع را دقت در برکرد که شاید به پایین‌تر به وسیله نهایی بررسید. این نوعی که به چنین مالیاتی در موارد سپسیز مصارف حال صاحبان درآمد اندکی را نموده و حاصل‌های درآمد را به نحوی از مالیات معاف کرده است که میزان این حاصلات هو چند گاه یک بار به چنین اتفاقی درآمد نازل حتی چنین ارتفاعی هم وجود ندارد.
بدنبست در این مقام استدلالاتی را که در جانبه‌داری از نرخ مقطوع ضمن مذاکرات مجلس سیاسی شده بود، مورد توجه قرار دهید. طی آن مذاکرات دلایل زیر در توجیه مطلب ارائه شد:

1. با وجود نرخ مقطوع هم هرکه درآمد کم تر داشته باشد مالیات کم تر خواهد پرداخت.
2. تصاعدی بودن نرخ اهمیتی داشته و مالیات محاسبه و گرفتنی مؤسسی و ماموران تشخیص خواهد بود.
3. نرخ واحد به تعارضات بین مؤسسی و ماموران مالیاتی خانه می‌دهد.
4. نرخ واحد محاسبه درآمد میلی را آسان تر می‌کند.

(مسئله مذاکرات جلسه ۸۰/۹/۱۲ - صفحه ۲۵ و ۲۷)

در پاسخ به توافق گفت:

الف. منظور از عدالت مالیاتی این است که هرکس درآمد کم تری دارد باید کمتر از کمتری را تحمیل کند و

این مقصود با اعمال نرخ نازل تر مقدار است. در اینجا مسئله قدر مطلق عددی درآمد و مالیات مطرح نیست، کسی که فرض از یک میلیون تومان درآمد، به نرخ ۲۵/دویست و پنجم هزار تومان مالیاتی می‌دهد، باید از مراثی کمتری را تحمل می‌کند که یک چهارم تا دو میلیون نرخ، بیست و پنج هزار تومان مالیاتی را پردازد. (ضمن این که مکرر قرار بود از نقر دوم هم دویست و پنجم هزار تومان مالیاتی بپردازند) یا آن وقت بگویند که به عدالتی شده است؟

ب. طرح مسأله اشکال در محاسبه مبتنی بر این فرض است که ماموران مالیاتی يا مؤسسی از

انجام یک محاسبه ساده‌ی عادی است نه درآمد کم‌تری را محاسبه نماید. اگر فرض بر

اری اندیزه عجز و تنبیه است، در آن صورت چگونه خواهند توانست محاسبات سیاسی پیچیده تر

را برای تعیین درآمد مشمول مالیات انجام دهند؟

ج. آنچه ممکن است تعارض بین مؤسسی و ماموران تشخیص و باعث شود، همانند تعیین درآمد

مشمول مالیات است و بهره اعمال نرخ.

د. اما این که اگر نرخ واحد باشد کار تخمین درآمد میلی آسان تر است، دیگر خیلی حرف است، آیا

باید سیاست مالیاتی را تابع آسان طلبی محاسبه کند؟ چگونه درآمد میلی قرار دارد؟ (بگذریم از این که

در اثبات اصل ادعا نیز استدلالی ارائه نشده است).

پیشنهاد مشخص

بر اساس آنچه گفت این پیشنهاد مشخص بازگشت به نرخ‌هاي تصاعدي است در همين جا

شماره مسلسل ۲۷ بهار ۱۳۸۲
تصريحی می‌نماید که این پیشنهاد صرفاً دائر بر برخی از قراری‌ها چند نرخ تصاولی است. این که تعداد نرخ‌ها چند باشد، درصدی کمی باشد و هر لایه درآمدی از جه قرار، خارج از این بحث است. به عبارت دیگر، غرض این نیست که عین وضع سابقه اهدای شود و بی‌دیده است که جزئیات امر نیاز به بحث و بررسی جدایانه دارد.

در پایان این بخش از گفتگو به خط مشی تعیین شده در قانون برنامه‌های اشاره می‌کنیم. در این قانون تصمیم‌گیری شده است که عدالت مالیاتی باید منبت اصلاحات جدید قانون مالیات قرار گیرد. (رجوع شود به مقاله مالیات و برنامه‌های جدید در همین شماره از مجله مالیاتی)

**دوم - توجیه نرخ ۲۵٪**

صرف نظر از مسئله تصاعد و عدالت مالیاتی که موضوع بخش اول این مقاله بود، تنزل بار مالیاتی به ۲۵٪ نیز در نفسی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. در همان زمان ضمن به‌حث ما و مذاکرات گفته می‌شد که برخی از نرخ در مورد شرکت‌های دارای درآمد خوب به منزله سقوط نرخ ۲۵٪ به ۲۵٪ افزایش داده شده است. در این مورد اگر درآمد شرکتی زیاد بود، قسمت گسترده‌تری از درآمد به سایر مشتریان این شرکت می‌رسد. در این حالت، است که نیاز به بررسی و تفکر جدایانه دارد که در این لازم است تجدید نظر در این زمینه نیز صورت بپذیرد؟ در این باب نکته و برداور می‌گرد. در همان زمان طی مذاکرات مجلس شورای اسلامی مطلبی به این شکل صریحاً از سوی مقامات مسئول اعلام شد: «۲۵٪ رصد - جزو کمترین نرخ‌های مالیاتی کشورها است. اگر آن‌ها از آن‌ها استفاده می‌کنند، این نیست» (مقدمات مذاکرات جلسه ۱۷۱ مورخ ۱۳۸۰/۹/۲۰ ص ۱۴ استون اول).

استواد این است که آیا ایران در وضعیتی است که باید در آن پایین ترین نرخ مالیاتی بر شرکت‌ها باشد؟ ضمن این که سیستم مالیاتی بر جمع درآمدها هم وجود ندارد؟ در پاسخ توجه را به سیاست‌گذاری‌های برنامه‌های اسکاریای اسلامی مطلبی به این شکل است: «۲۵٪ درآمد هرچه بیشتر از محل مالیات به طوری‌که تا پایان دوره برنامه دیگر نیازی به استفاده از درآمد نفت برای هزینه‌های جاری نباشد. دوم عدالت مالیاتی که روی آن تاکید جدید شده است. از آنجا که قرار است این اصول مبنای اصلاح قانون قرار گیرد، به نظر می‌رسد پاسخ به سوال طرح شده منتفی باشد.

شماره مسلسل ۳۷، بهار ۱۳۸۴
نکته‌ها از اصلاحیه سال ۸۰

(قابل توجه در رابطه با اصلاحات پیش روند قانون)

اصلاحات بهمن ماه سال ۱۳۸۰ قانون مالیات‌های مستقیم حاصل بررسی های طولانی‌کارنشان، استادان دانشگاه، صاحب‌نظران بخش خصوصی و اهل خبره بسیار دیگر بود که از سوی قانون‌گزاران سازمان‌دهی شد. این قانون نکته‌های شگفت‌چری به همان‌ها دارد که از آن میان به نموده هایی در این شماره و شماره‌های دیگر اشاره می‌کنیم.

ارجاع‌بلا مرجع

تبصره‌ ماده ۲۶۱ می‌گوید: «کارمندی که مدارج مذکور در ماده ۲۳۰ این قانون را طی نموده و در یکی از استان‌های کشور بجز شهر تهران به عنوان مدرک کل خدمت در انتخاب به سمت فوق [ربیست می‌ئات عالی انظمام] حق تقدم دارد»

داستان در کل استان مفهوم ساده ای است و کمالاً قابل فهم است. بنابراین خوانندان برای فهم‌یاری شرایط باید به ماده ۲۰۸ رجوع کنند. تا ببینند چرا داستان این حق تقدم چه مدارجی با استناد به ماده ای صورت آمده‌ی ریاست طی شده باشد. به ماده ۲۰۸ مراجعه می‌کنیم و چنین می‌خوانیم:

ماده ۲۰۸ - اصلاحات عبارتی‌زیر در این قانون انجام می‌شود:

۱. در موارد ذیل عبارت سازمان امور مالیات‌ای کشور یا گزارش یا امور اقتصادی و دارایی‌های مالی که مدیر می‌گردد: مواد ۲۶۴، ۲۹۵، ۳۲۹، [و چندین ماده و تبصره نیگر]

۲. در موارد ذیل عبارت اداره امور مالیات‌ای یا جایگزین وی او عبارت اداره امور‌سازمان تشخیص، ممکن است به می‌گردد: مواد ۲۶۴، ۲۹۵، ۳۲۹، [و چندین ماده و تبصره نیگر] که مدیر می‌گردد و اداره امور اقتصادی و دارایی‌های مالی (چه مدیری باید طی شده باشد، ما را هم راهنمايی کنید.

شماره مسلسل ۳۷ بهار ۱۳۸۴
ماده ۱۲۹ قانون در اصلاحات سال ۸۰ حذف و به عمر مالیات بر جمع درآمد خاتمه داده شد. با توجه به این مطلب معلوم نیست عنوان درشت «مالیات بر جمع درآمد ناشی از منابع مختلف» در فصل هفتچم چه می‌کند؟

عبارت کشدار

تبصره اصلاحی ماده ۱۹۲ عدم تسليم اظهارنامه را در مورد برخی از مؤدیان مستوجب جریمه غیر قابل بخشایشی به میزان چهل درصد مالیات متعلق نموده است. در دنباله آمده است که اگر مؤدی اظهارنامه هم داده باشد، باز همین جریمه در دو مورد اعمال می‌شود، یکی در مورد مالیات متعلق به درآمد‌های کرمان شده و دیگری «هزینه‌های غیر‌واقعی که غیر قابل قبول نیز باشد». به این شکل جریمه به کسی تعلق می‌گیرد که آن‌نان هزینه‌قلابی را عنوان کنند که در عین حال غیر قابل قبول هم باشد. با ایده تکیف هزینه دروغینی که نوعاً قابل قبول است چه می‌شود؟ ظاهراً هیچ، چون شرط تعلق جریمه در عین حال غیر قابل قبول بودن هزینه غیر‌واقعی نیز هست.

۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴ لفظ

ماده ۲۵۲ می‌گوید تعداد اعتیادی‌ها عالی مالیات ۲۵ نفر است و تبصره ۲ آن جلسات شورای را با حضور حداقل دو سوم اعضاء حائز رسمیت دانسته است. تعیین کنید که دوسوم ۲۵ نفر چند نفر می‌شود؟

(خذداً کنید اشتباه در همه این موارد از ما باشید)
آموزش و مالیات

م. الیزابت کوهی

جزئیات آن بی‌پایانی در برادر این پرسش که دوره‌های آموزشی سالانه دراز تا چه حد واحده است مردان عمل تربیت کند تصور نمی‌رود کسی بتوانند مدعی نتایج در خواندن و پارزی گردد. در اکثر موارد شکل آموزش‌های است که کتاب‌های می‌تواند معینی‌ای یا یک دوره رزمایشی به سمع آموزشگران می‌رسد و در پایان امتصانی از همان متن برگزار می‌شود و در صورتی که پاسخ‌های داده شده با متن منطق باشد، کار تمام است. اگر چنین ترتیبی را نیاز باشد، آنها مقدور نیست که دانشجویی بالینی بپردازید. به آن که زحمت حضور در جلسات درس را به خود دهید، شخصاً همان کتاب را بر منزل خوانید و در آزمون شرکت کنید؟ پاسخ مثبت است و چنین امکانی به خوبی وجود دارد، کما این که به‌سیار اتفاق می‌افتد

واژه آموزش در ارتباط با امر مالیاتی در چنین یک کاربرد چنانکه را در ذهن تداعی می‌کند: آموزش کادر مالیاتی و آموزش مؤتمن. در این مقاله چنین یک کاربرد نخست، یعنی آموزش سایر موارد مالیاتی مورد نظر است، مقوله ای که بلا تردید از اهمیت زیراوان و فوق العاده ای برخورد می‌باشد. بخش قابل توجهی از هرگونه نارسایی سیستم مالیاتی مستقیم و غیر مستقیم به نقض‌های کم‌پوردهای مسائله آموزش باز می‌گردد. استفاده مالیاتی همانند بسیاری از سازمان‌های دولتی برحسب رسم جافتنی‌ها موجود در مورد نیازهای آموزشی خود عمداً به مباحث دانشگاهی عمومی و تخصصی رجوع می‌کند. اما مشکلات و نارسایی‌های نظام آموزشی و دانشگاهی برکسی پوشیده نیست و ضرورتی ندارد که به بیان
اشتغال داشت. این آموزشگاه هیچ اعتبار رسمی داشت و گواهینامهایی به کسی نمی‌داد و اگر می‌داد کوچک ترین ارزشی از نظر سازمان های دولتی و غیر دولتی داشت. اما در مقابل این استیزی از بزرگ برخوردار بود و آن این که کسانی به این دوره ها رجوع می‌کردند که نیاز واقعی به فراگرفتن و انجام کار در بخش خصوصی داشتند. بازرگانان و شرکت‌های خصوصی کاری به مدرک تخصصی کسی نداشتند. آنها طرف را می‌نشانیدند و کارش را می‌ديدند و اگر نیاز آنها را به خوبی رفع نمی‌کرد در زمینه ترددی به خود راه نمی‌داشتند. نتیجه این بود که آموزشگاه به طور چندی دنبال فراگیری بودند و تا یک دامی گرفتن دست بردار نبودند. کسانی که در یک دوره پای گرفتن حق داشتند در دوره‌های بعدی شرکت کردند و آن قدر ادامه دهند تا به نتیجه برسند. در این مدت استاد هم لذت می‌برد و هم از سماجت‌ها و شاگردان در فراگیری به اصطلاح ذلیل می‌شد.

حال ممکن است کسی فکر کند که خوب، در همین وضع کم‌دستی اموزشی هم به هرجال کار می‌گذارد، ضمن این که

فرهنگ با وجود حضور فیزیکی در کلاس درس، فکر خود را در میان های دیگری به جوانان در می‌آورد، اما هنگام امتحان تظرف یک دو روز متن مفصولی را به خوبی خواندند و به حافظه می‌سپارند و در امتحان توفقی می‌یابند. سپس نیازی به نگاهنما مطالب در ذهن خود نمی‌بینند و مقولات را که در آموزش جالب تراست در اندیشه خود جایگزین می‌سازند. نگاهنما خود به یاد می‌آورد که هنگام تحصیل در دانشگاه کتاب بسیار مفصل و حجمی موضوعی یک از دروس بود که تا زودی امتحان فکر خود را به آن مشغول نداشت به بود. دقت نکنی یک روز به امتحان مانده از صبح شروع به خواندن کرد و تا شب ادامه داشت و از شرب تا نیمه شب. صبح در راه رسیدن به دانشگاه به خواندن باقی مطالب در اتوبوس ادامه داد. البته کتاب تمام نشده ولی در امتحان سؤالی مطرح شد که دقیقاً همان مطالب خوانده شده در اتوبوس بود. نتیجه: قبیلی با نفره بسیار عالی!

اما تواستن تجربه نگری هم دارد. مدت‌های شبی چنین سال در یک از آموزشگاه‌های شبستان به تدریس دفترداری بازرگانی
ورود کافی در کار عیب کار تنها در این نیست که در هر دوره گروهی فاقد دانش کافی به کادر مالیاتی می‌پیوندند. مشکل بزرگ در این است که چنین وضعی چیزی افقت و به اصطلاح وارد سازان امروزی «نهادینه» می‌شود و مانع آن می‌گردد که صاحب اطلاع بودن و داشتن دانش مالیاتی و تخصص به یک ارزش عالی و مورد احتراز در جامعه مالیاتی بدل شود و به صورت جاذبه ای نیرومند درآید همگان را به دنبال خود بکشانند. ایجاد ارزش به توجه و اهتمام نیاز دارد و چنین اهتمام‌یابی به‌ویژه باید از سطح بالاتر پیدا کنند و نظام مالیاتی بکوشد حجت اسلامی انضباطی ممکن از جهت این مسئله مهم برقرار گردید: تکیه و تاکید بر دانش و آگاهی. چنین انضباط‌گرده از آغاز کار باید پایه گذاری کرد که همان مرحله آموزش های اولیه مالیاتی است. مراحل قبل از آن از اختیار نظام مالیاتی خارج است و خواه و ناخواه باید آن را پذیرفت. اما از زمانی که آموزش تخصصی داوطلبان حرفه مالیاتی شروع می‌شود، داخله دستگاه مالیاتی قطعاً میسر و مقدور و حائز ضرورت است.

نارسایی موردن بحث انحصاری به آموزش رشته مالیاتی نداشتته و در باقی موارد هم وضع چندان بهتری حکمران نیست. بنگردیم از این که چنین پاسخی تا چه حد اصولی است، اما از یک دید خاصی می‌توان به مساله تغییرت و پاسخ چنی پاسخی را داد. در مقام این بحث و در رابطه امر آموزش، مقوله مالیاتی چیزی شبیه طبایبی و پزشگی است. یک کارمند غیر تخصصی دولت که برای استفاده شدن می‌باشند فرضی مدرک کارشناسی داشته باشد، نارسایی آموزشی وی چندان نمودی نخواهد داشت (هرچند که در مجموع مشکلات فعلی را می‌آفریند). اما یک پزشک از فردی تحصیل یافته بنشینند و به کار درمان بیماران بپردازد و ناگفته پیداست که نتایج آموزشی وی چه عواقب و خیمی می‌تواند در پی داشته باشد. در مورد مالیات‌های شاخص تصور شود نارسایی آموزشی به ظاهر نتایجی هولناک از قبل آنچه در پزشکی قابل وقوع است، در یک تیاد اما به هر خال در مورد مالیات هم باید نشست و کار کرد. به عبارت دیگر این یک فن است و محتاج اطلاعات و

شماره مسلسل ۳۷ بیار ۱۳۸۴
آین دست و از این قماش
اما مداخله نظام مالیاتی در این امر چگونه
می تواند عملی شود؟ مسئله به دو حالت
قابل تصویر است، نخست این که مسیر
کانونی کار حفظ شود. در وضع فعلي
بخش قابل توجهی از وظیفه آموزشی کادر
مالیاتی به مؤسسات جدایانه ای تفویض
شهده است. در صورت ادامه وضع فعلی
لازم است که برای کنترل و مدیریت نمایندگی
شریوه جاری در مورد مؤسسات آموزشی
تخصصی این است که به شبهه سازی
دست می‌زنند. این نوع آموزشی شبه
آنچه در مؤسسات عمومی دانشگاهی
جاری است پیدا می‌گردد. در این
کار موفق شدن دیگر خبرهای ای بر آنها
وارد نیروه و بدون نقص به شمار خواهند
آمد. به این ترتیب بار دیگر همان کلاس
های معمول و سنتی همان حفظ کردن
یک کتاب با جزوی معین، همان آموزش
های متقی بر حافظه آنی دانشجویان، و از
همه بالا‌تر نداشتی توجهی به فرد را پس
از خانه تحصیل و این که آیا قبول شد
در چنان آموزش‌هایی به معنی ایجاد
توانایی در فرد برای کار کردن در میدان
عمل خواهد بود یا خیر و نتایج دیگری از
این دست و از این قماش.
سازمان مالیاتی بخش از پیش به مصلحت من نماید. می توان موضوع را در اصلاحات قریب الوقوع قانون مالیات های مستقیم منظور داشت و جامعه عمل پوشانید. در صورت قبول چنین نظری لازم است از هم اکنون بررسی های همه جانبی در این باب همانند سایر زمینه های مربوط به اصلاح قانون آغاز گردد.

در پایان لازم می دانند چنین خاصی از امر آموزش را چگونه نشان دهیم و صرف نظر از مسائل تصمیم امر آموزش، مورد بحث قرار دهد و آن آموزش تکنیکی های کار است. اگر مسائلی مانند نحوه گامداری، فن حسابداری و امثال آنها را کنار بگذاریم، تصور نمی رود به مسائل تکنیکی مهم کار تا کانن توجهی شده باشد. فرضیاً آیا تا کانن سابقه داشته است که دانشجویان را با ترفندهای مالیاتی موقولان و نحوه مقاله با آنها آشنا ساخته باشند؟ اقتصاد زیر زمینه رایج در کشور و معاملات قابل گریز از کنترل...
تاریخ مالیات

در شماره‌های پیشین این تشریح به‌خشور ناپید شده‌است که از تاریخ مالیات در گوشه و کنار جهان به‌طور مبهم قابل پذیرش نبوده است. در دوره‌ی جدید مجله مالیات نیز همین شیوه ادامه خواهد داشت. مطلوبی که برای این شماره از مجله انتخاب شده از کتاب بسیار معروف تاریخ رم نوشته مورخ ترجومه و اقتباس شده است. او بین سال‌های ۵۰ قبل از میلاد تا ۱۷ میلادی - یعنی اواخر عهد جمهوریت و اوایل دوران امپراتوری - می‌پنجره است. و قاپیعی نه‌که اقدام‌ها و فصل‌های ۲۲ کتاب دوره تاریخ لیویوس گزیده شده و به دوران جمهوریت مربوط می‌شود.

پیش از شروع ماجرا نذری چند توضیح را ضرورت می‌دانم. نخست این که از کنار اجتماعی و این بود که با استاردانت درباره اشراف و عوام قرارداد. ساختمان سیاسی نیز منعكس کننده همین تقسمیم بندی بود. مجلس سنای به اشراف، و انتخابات تعلق داشت و در مقابل عوام (پلیبوس - کاهن) که در زبان‌های امریکای غربی گفته می‌شود plebius - plebian - ها) مجمع خود را در موارد ضروری تشکیل می‌دادند. قوه مجريه بر دست دو کنسول بود که منصوب هر دو دسته اشراف و عوام به حساب می‌آمدند و بالا رفتن حکومت می‌کردند. در زمان جنگ غالبا یکی از کنسولها افرادی سرباز‌ها و ارزش عهده گرفتند. و در کنار آن، ایجاد امور در رم می‌ماند. البته این تشکیلات به دوران جمهوریت مربوط می‌شود که از اوایل قرن ششم تا اوایل قرن اول قبل از میلاد ادامه داشت. و قاپیعی نظر ما نیز به همین دوران مربوط است. (دوران قبل از جمهوریت عهد پادشاهی، و دوره پس از آن عهد امپراتوری بوده است).

در زمانی که به نقل حوادث آن می‌پردازید، دولت رم هنوز با انسبی کوچک بود و جنب ها و مناسبات بین المللی آن بیشتر با دولت‌های شهر که درون شبه جزیره ایتالیا جریان داشت. از جمله اقوام ولسوکین، ساتین و غیره که در متن زیر از آن ها نام برده شده است، در
صفحاتی از تاریخ رم باستان

در فصل 22 از کتاب تاریخ لیوبوس و قبیع زمان کنسولی دو تن به نام های کلاودیوس و سرویوس مورد بحث قرار گرفته و به تحركات قوم ولسکین اشاره شده است که رم را ناگزیر از جنگ با آنان می نماید. در فصل بعد گفته می شود که در هم زمان جمهوری رم شدیدا در چارائ اختلافات داخلی بود که از خصوصت به عوامل و فقرا از یک سو و اشراف و ثروتمندان از سوی دیگر نشانه نیز گرفته. مهم ترین اختلاف آن دو گروه به شراط طاقت فرسای بدهکاران مالی مربط می شد. در رم قدمی غالب طبقات قبیر ناگزیر آن وام گیری از ثروتمندان می شدند و این وام همواره با بهره کلایی همراه بود و وام گیرندگان را اغلب به گرداب خلاصه ناپذیر بی‌به‌به بی‌به‌به می‌افکند و آنگاه وام دهنده با مراجعه به دادگاه می‌توانست تمام اموال بدهکار را توقیف کند و متصرف شود و حتی شخص او و اولاد او را نیز بهره خود سازد و به کار اجباری وارد کند. هرچند که بدهکار شهرش رم به شمار می‌آمد. برای آن که وضع حقوقی شخص بدهکار روشن باشد و او تواند بگریزد گاهی زنجیر نیز بر یو می‌نهادند و او مجبور بود به همان حال رفت و آمد کند. در آن هنگام که مسئله چنگ مطرح بود و به این منظر می‌باشت افراد طبقات محروم به عنوان سرباز ثبت نام کنند، بدهکاران فرصتی باهم و دست به اجتماع زندگی و اعتراضات خود را به این بیان مطرح ساختند که از آن ها خواسته می‌شود برای دفاع از میهنی به چنگ برونند که در آن تحت ستم و برگدن هموطنان خود قرار دارند. تحت قید دشمن رفتن برای آن ها آسان تر است تا تحت ستم هم می‌هیفان خود قرار دارند.

برای آن ها آسان تر است تا تحت ستم هم می‌هیفان خود قرار دارند.

مقارن همین اجتماعات و تظاهرات، داگهان مرد مستی به میان جمعیت آماد با لباس زنده و چرکین. و قیامه ای بس زولیه و ناشترده بس و دو ویو. به رغم این ظاهر فیلتخ بر، بسیرای از مردم ای مد نشانختند که پیش تر افسر سیاه (centurion) به معنی چمرانه یکصد نفر. تقریبا معادل سروان در زمان ما) بوده و افتخارات حماسی فراوانی آفریده
است. وی سیاست خود را عربیان ساخت و همگان جای زخم های منکری را که در جنگ ها برداشته بود دیدند.

در آن زمان مردم انبوهی کرد آمده بودند و اجتماع خود را به نوعی مجلس عوام بدل ساختند. از آن مرد پرسیده شد چه زمان باین صورت ملک و غم انگیز در آمده است.

(سابینه) ها یا را داشتم نابود ساخت، اموال او را غارت کرد و رمه اش را با خود برداشت. اما این همه کافی نبود و مقارن آن مالیات بس سنگین زمان جنگ وضع شد و چون توان پرداخت نداشت، بیای رهایی از فشار طاقتفرسای مالیات بیگزان، به وام گیری روی آورد و به همکار گشت.

بر این بدهی برهنه های کلان افزویده شد و برای باران آن و تکذیب مزاحم گردیده و امید و امیدی او تصرف کردند، بلکه خود ی و را نیز برده ساختند و به کار اجباری در اعماق زمین گم شدند که در ردیف زنده به گور کردند است. آنگاه پشت خود را برنه ساخت و آثار تازیانه هایی را که به تازگی بر او وارد ساخته بودند، به همگان نشان داد.

این نامیش سیه روزی و نکبت بشری و شقاوت و دردنه خویش اشراق و نجبان مردم را چنان به هیجان آورد که آشوب سراسر شهر را فرا گرفت و گروه های عظیم توده مردم به سوى قروم روش آوردند. در همان حال پرخی از سناتورها در محل بودند و چیزی نمادنی بود مورد حمله قرار گیرند. اما هر دو کنسول روم یعنی سرولیوس و کلاودیوس فورا در محل حاضر شدند و با دخالت خود سناتورها را از مهلكه به در بردند. مردم بانک اعتراض خود را از دست طلبkarان به گوش کنسولها رسیدند و زنجیرها و سایر

1. فرم مرکز حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رم باستان به شمار می‌آمد. مجموعه‌ای بود از بناها، معابد و فضاهای روباز. در طول زمان زمامداران رم بر این بنای می‌افزودند تا به نام آن‌ها به کارکرد ماند. مردم روم به فرمزای رفت و آمد می‌کردند. مرکز‌های خرید و فروش و کسب و کار را در همین تناهی قرار داشتند، ولی علاره به این فرم مرکزی بود برای سفرنامه‌های سیاسی و اجتماعی که غالباً مردم را به خود جلب می‌کرد. اجتماعات سیاسی از آن نوع که در این مقاله آمده است نیز در همین منطقه برگزار می‌شد.

شماره مسلسل: ۳۷، بهار ۱۳۸۴
علائم حفارت را که با خود جمل می‌کردند به آنان نشان دادند و گفتند این پاداش
جنگیدن و جانفشنان آنان برای وطن‌شناسی است. سپس مردم مصرا خواستار تشکیل ستا
برای تعیین تکلیف خویش شدند و خود بی‌درنگ درگذاراده مجلس سنای کردند. کنسول ها
این تقاضا را پذیرفتند، اما در آن روز تنها شماره اندازی از سناتورها در مجلس حاضر
بودند که اکثریت لازم برای رسمیت مجلس را حاصل نمی‌شدند. مردم پنداشتند که کنسول
ها این وضع را علمأ به وجود آورده‌اند تا تصمیم گیری به بعد از فرو نشستن آشوب
موکول شود. این شایعه بر خشمش مردم افزود و ناراحتی بالاتر گرفت. در نتیجه سناتورها
را در مجلس حاضر ساختند. سناتورها و کنسول ها در بحث هایی که در گرفت دیگر
دودستگی شدند. آپیوس کلاودیوس یکی از دو کنسول خواهان شد در قبال
آشورگران بود و سرویلوس به ملایم اعتقاد داشت.

در همین گیر و دلار اعلام خطر تازه ای به مجلس رسید و آن این که یک سیاسه از وُلسبین
ها به قصد جنگ در حال حمله به سوی رم است. این خبر، دودستگی و نظر را تشکید
کرد. پلیس ها آشکارا از نفرین به جنگ سخت می‌گفتند و یکی یکی را تشوق می‌کردند که
از نام نویسی خودداری کنند. آنها می‌گفتند بسیار بهتر است دشمن حمله کند و همه یک‌جا
و یکی بهبود را به دست هم می‌دهان خود جنگ زجرکش شویم. شعار آنها این
بود که بگذار اشراف و نجیبا مانند سرباز عادی به جنگ روند. هرکس از غیرای مردم
می‌شد هم اور جنگ کند.

سناتورها از دو سو خود را در فشار می‌دیدند. یک طرف توهه مردم و طرف دیگر
دوم‌مانی که در حال نزدیک شدن بودند. بنابراین به سرویلوس (کنسول) متوسل شدند.
که نزد مردم از محبوبیت بیشتری پرخرودار بود. سرویلوس سنا را تعلیم کرد و به
مجمع پلپین ها رفت و در آنجا سناتوری ملایمی کرد بر این مبنی که برای مردم صلحی
نیست از دفاع از وطن خودداری کنند و برای سنا هم درست نیست که به فکر مردم
ستمدهای خود نباشد. آنگاه برای جلب اطمینان مردم فرمائی صادرا کرد بر این قرار که
همیشه رومی را نمی‌توان در زنجیر و تحت فشار قرار داد و به این وسیله مانند ثبت نام
وی برای خدمات نظامی شد و نیز مانندی که سربازان در اردوگاه‌ها به سر می‌برند.
منشور حقوق و تکلیف مودیان

محمدمحمد توکل

اکثر قرب به اتفاق کشورهای جهان مقرراتی در باب حقوق و تکلیف مودیان دارند که ممکن است به دو طریق در قوانین گنجانده شود. نخست درج آن در قانون یا قوانین مالیاتی کشور که در این صورت برای پی بردن به چنین حقوق و تکلیف نیاز به بررسی مجموع مقررات مربوط و استخراج مواد مورد نظر خواهد بود. کشور ما نیز در همین زمینه قرار دارد و حقوق مودیان و تکلیف آنان در خلال مواد و تبصره‌های
قانون مالیات‌های مستقیم مندرج است. اما در شماری از کشورها علاوه بر احكام مورد به موردی که در متن قوانین مالیاتی در ارتباط با موضوع مورد بحث گنجانده می‌شود، یک منشور جداگانه و کلی تحت عنوان حقوق و تکلیف مؤرخین نیز تدوین و به تصویب می‌رسد که ممکن است عناوان پیوست یا مقدمه ای را برای قانون مالیاتی داشته باشد. موضوع مقاله حاضر همین نوع منشور است که پیرامون آن به بحث می‌پردازد. نخستین پرسش که ممکن است به ذهن خواننده خطر کند این است که این ما بعد پایه‌ای مقررات در خلاال قانون مالیاتی در باب همین حقوق و تکلیف آیا به تدوین و تصویب چنین منشوری نیز نیاز محسوب یا نه؟

1. احكام منشور نوعی ضابطه کلی به دست خواهد داد که احكام موردی را بر مبنای آن می‌توان استنباط نمود و تعبیر کرد.

2. ممکن است این آثار روایی آن است. این چه از دید مسوده و چه از دید ماموران مالیاتی. مؤذن با خواندن منتب موج و مختصر بی‌خواهد برد که از طرفی در قبال جامعه خود تکلیفی میمن در زمینه مالیاتی بر عهده دارد. نخستین این که به عنوان یک دین در قبال کشور باید سهم خود را در تأمین هزینه‌های جامعه ادا کند. دیگر این که مکلف است از امور مالیاتی دارای صدا و صدا را ترکند و تغلب بر عهده، سوابق مالیاتی نگاه دارد.

3. ممکن است این آثار روایی آن است. این چه از دید مسوده و چه از دید ماموران مالیاتی. مؤذن با خواندن منتب موج و مختصر بی‌خواهد برد که از طرفی در قبال جامعه خود تکلیفی میمن در زمینه مالیاتی بر عهده دارد. نخستین این که به عنوان یک دین در قبال کشور باید سهم خود را در تأمین هزینه‌های جامعه ادا کند. دیگر این که مکلف است از امور مالیاتی دارای صدا و صدا را ترکند و تغلب بر عهده، سوابق مالیاتی نگاه دارد.

4. ممکن است این آثار روایی آن است. این چه از دید مسوده و چه از دید ماموران مالیاتی. مؤذن با خواندن منتب موج و مختصر بی‌خواهد برد که از طرفی در قبال جامعه خود تکلیفی میمن در زمینه مالیاتی بر عهده دارد. نخستین این که به عنوان یک دین در قبال کشور باید سهم خود را در تأمین هزینه‌های جامعه ادا کند. دیگر این که مکلف است از امور مالیاتی دارای صدا و صدا را ترکند و تغلب بر عهده، سوابق مالیاتی نگاه دارد.

۶۷
به نحوی که مفاد منشور در راستا و بدون متأخرت با آن ها تنظیم گردید.
ثامناً - حقوق و تکلیفی که هم اکنون برای مؤسسات در خلخل قانون مالیاتی های مستقیم مندرج است باید استخراج شود و مورد تحلیل قرار گیرد.
ثامناً - استفاده از تجربیات سابق کشورهای ایران نوع بررسی می تواند به گسترشی انجام شود. از این مورد به سازمان توسیع و همکاری اقتصادی (OECD) یک مورد خاص از این نوع را ارائه می دادم. این مورد به سازمان توسیع و همکاری اقتصادی (OECD) مربوط است. سازمان مذکور از ۳۰ کشور گسترده و صنعتی جهان (مشتمل بر اروپا، غربی، ایالتات متحده آمریکا، کانادا و زاین) تشکیل شده و طیاً رهنمود های آن هم جنبه کلی دارد و برای همه کشورهای عضو ارائه می شود و هم این که چنین رهنمود هایی حاصل بررسی ها و مطالعات گسترده روز شمار قابل توجهی از دشتهای قانون است و از این جهت می تواند به عنوان یک نمونه در خور توجه مطمئن نظر قرار گیرد.
سابقه موضوع
یکی از ارکان های مهم سازمان توسیع و همکاری اقتصادی (OECD) کمیته امور مالی، این است که بررسی و تهیه رهنمود ها در مورد هرکدام مسائل مالی و مالیاتی از جمله وظایف آن است. این کمیته در سال های ۱۹۷۹ تشکیل گروه کاری (working group) تشکیل داد که تجربه کارهای چنین ساله ۱۳۶۷ پس از عبور از مجاری متعدد به صورت توصیه های اولیه و اخیر سال ۱۳۶۷ به تصویب کمیته امور مالی سازمان رسید. در مقدمه سند پیش آمده با نکته مهمی اشاره شده است که نقل آن ضرورت دارد:
سازمان های وصول درآمد با محدودیت های متغیرات روبه رو هستند که کار اداره نظام مالیاتی را باید در دستور آن انجام دهند. سازمان های مختلف از جمله محدودیت سیاسی و قانونی و فرهنگی و سنت های اداری با یکدیگر نگاه دارند. به این ترتیب به دست دادن یک روش استاندارد برای اداره امور مالیاتی ممکن است نه عملی و نه پویزه مطلوب باشد. در سند مورد بحث نتیجه گیری شده است که مفاد آن باید با توجه به خصوصیت مدرک مورد بررسی قرار گیرد و در اتخاذ تصمیم به عوامل مشکوکانه هر نظامی توجه کافی می یابد. شهریور در مقدمه سند گفته می شود که اصول ارائه شده در متن، برآیندی از مقررات مربوط به حقوق و تکلیف موردی در کشورهای عضو است که یا در قابل مشاور حقوق و تکلیف جدایگانه ذکر شده و یا در خلخل مقررات مالیاتی این کشورها گنجایش دارد. سند مذکور متنی را در باب حقوق و تکلیف مزیتی به عنوان نمونه به دست داده است که ترجمه آن به شرح زیر است:

مقدمه
در جامعه مقالات و مقالاتی که بر پرداخت مالیات ها و عوارض ملزم می سازند تا وسیله تامین مالی برای یک سلسله از برنامه های دولتی و خدمات اجتماعی، از قبیل آموزش و پرورش، رفاه بهداشت، دفاع، اجرای قانون و
حق دریافت اطلاعات لازم در ساختار از کمک و استماع سخت‌تان

شما حق دریافت اطلاعات لازم را دریافت دارید از کمک برخوردارشی و سخت‌تان استماع گردید.

- ما با شما در تمام موارد با احتراز و مراجع حالتان و کمک خواهی کرد و خواهیم کوشید;
- به شما کمک کیمیا با وظایف مالیاتی خود آگاه شده و به ان عمل کنید;
- روابط و علایم تحقیقاتی که ما در مورد آمر مربوط به شما اتخاذ کرده ایم برای پذیرایی توضیح داده شود;
- تفاهم‌های قانونی استفاده مالیاتی از سوی شما در اسرع وقت ممکن [ظرف ... روز] نهایی شود و در مواردی که قانون اجازه می‌دهد، به هر نیز به شما پرداخت گردید.
- با استماع شما در کوتاه ترین مدت ممکن [ظرف ... روز] پاسخ داده شود.
- درخواست‌های حالت شورت با شما در کوتاه ترین زمان ممکن مورد اقدام قرار گیرد;
- تلفن‌های شما فوراً پاسخ داده شده و به جهت به جای دیگر ارجاع نکردد;
- هزینه‌های شما در رابطه با اجرای وظایف قانونی به حداقل ممکن کاهش داده شود;
- امکان داده شود مشاور مشاور حقوقی مالیاتی شما در طول هر نوع رسیدگی حضور داشته باشد;
- در خاتمه هر رسیدگی یا طرف ... روز از پایان آن، صورت نقلیه مربوط یا پیاده‌گذاری کتبی در مورد تناقض رسیدگی و دلایل و علل تضمینات اخذ شده برای شما فرستاده شود.

حق پژوهش‌خواهی

ما خواهیم کوشید:

- حقوقی را که در زمینه واکنش‌ها، اعتراض و پژوهش دارا می‌باشید به طور کامل برای توضیح دهیم و این در صورتی است که رضیت به حقوق مذکور به روش‌های ماهیتی و در مورد آن نیاز به توضیح داشته باشید;
- پرونده‌ها مرا تجدید نظر قرار دهیم و این در صورتی است که شما متوقف باشید ما واقعیت پرونده را به غطس تبیین کرده‌ایم، قانون را به نحوی صحیح اجرای نموده ایم و یا پرونده شما را به دشرتی مورد اقدام قرار نداده‌ایم؟
حق شما در این باب که به این مدت صحیح مالیات نپردازید
ما در تمام موارد باشما صادقانه و بنویس رفتار خواهیم کرد، به هر چه کم‌ترین مالیات را که قانوناً به عهده شما است پردازید و هرگونه استحکام شما در زمینه اعتصاب از اعتبار مالیاتی، ارفتادها، استردادها و حقوق مشابه دیگر به نحو صحیح‌تری مورد رعایت قرار گیرد.

حق شما در حصول اطمینان خاطر
- ما خواهیم کوشید در مورد نتایج مالیاتی هرگونه اقدام شما اظهار نظر کنیم و مشاوره دهیم و
- تقلیل شما نسبت به انجام مصالحه و ارائه مدارک را مورد توجه قرار داده، زمین و مکان مناسبی را برای این کار تهیه کنیم و آن را حداقل روز قبل از انجام مصالحه [در اسرع وقت ممکن] به اطلاع شما برسانیم و محدوده مصالحه مورد نظر و شرایط آن را نیز به شما اطلاع دهیم.

حق حرمت زندگی خصوصی
- ما فقط زمانی در باره شما به حفظ خواهیم پرداخت که چهارت کنترل انجام وظایف مالیاتی شما ضرورت داشته باشد و تنها در باره اطلاعاتی که به حفظ خواهیم کرد که به موضوع بررسی می‌شود مرتبط باشد و اطلاعاتی به دست آمده را صرف خصوصی قلمی خواهیم کرد.

حق محرمانه ماندن اطلاعات
ما اطلاعات شخصی و مالی مربوط به شما را قافل نخواهیم کرد مگر آن که شما خود کتابی اجازه ای را به ما بدهید و یا این که چنین کاری بر حسب قانون مجاز باشد و
- فقط مامورانی را که کسب اطلاعات شخصی و مالی شما خواهیم گمارد که بر حسب قانون مجاز به این کار باشند، آن هم در صورتی که اطلاعات کسب شده جهت انجام وظایف قانونی و برنامه‌های مربوط ضرورت داشته باشد.

وظایف شما وظیفه صداقت
ما از شما انتظار داریم:
اطلاعات مورد لزوم را به طور دقیق و کامل و در زمان مقرر ارائه دهد:
- درآمده مالیات خود را ضمن اظهار نامه اعلام دارد.
- برخی از همانین ارتفاعات را ادا کرده که احتمالاً افق آن را ندارد.
- به پرسش ها به طور کامل، دقیق و صادقانه پاسخگویی می‌کند.
- در مواردی که خواستار اعلام نظر مالیاتی هستند، نباید به قیده مالیاتی مزبور به خود تقاضای حکم خاصی دارد کلیه حقایق و اوضاع و احوال قضیه را روشن نماید.

وظیفه همکاری و معاوضه
ما انتظار داریم که شما:
- با مراجع مالیاتی همکاری نشان دهید، نسبت به آن‌ها با احترام و ملاحظه‌ای و ادب رفتار کنید. همان‌گونه که ما نیز در رفتار خود با شما باید به همین نتیجه تا مطامح.

وظیفه ارائه اطلاعات دقیق و به موقع
ما انتظار داریم که شما:
- اظهارنامه صحیح و مرتب مربوط به مهلت مقرر تسليم دارید.
- اطلاعات مورد نظر را به طور کامل و دقیق در زمان مقرر تسليم کنید.
- در تنظیم اظهارنامه و مرکز و اطلاعاتی که در آن خواهد داد، دقت متقابل مبنا را دارد.
- واقعیت و اثبات‌های مربوط به قبیل ثبت شخص حقوقی، افتتاح کسب و کار، نشانی مکانیکی و تهیه آن، تبیین محل کسب و قطع کسب و کار را همراه با اطلاعات مربوط به مقویت به موقع به ما اطلاع دهد، به
نحوی که ما بدون ارائه قانون مالیاتی را به درستی، با کارآیی و به نحو مؤثر اجراء کنیم.

وظیفه نگاهداری سوابق
ما از شما انتظار داریم:
- سوابق و دفاتر لازم جهت انجام وظایف مالیاتی خود به حد کافی نگاه‌داری کنید.
- سوابق و دفاتر را برای تمام مدتاً که قانون مقرر است نگاه‌داری نمایید.
- در تهیه سوابق و دفاتر دقت متقابل مبنا را دارید.

فحش خاص مالیاتی که در کشورهای غربی رایج است، به این معنی است که موذی پیش‌بینی قصبه ای را به مرجع مالیاتی اعلام می‌دارد و خواستار آن می‌شود که مرجعی که منجر به چنین بحثی مالیاتی قصبه و گران مالیاتی متعلق‌اند، تبعین کند. معمولاً اطلاعات مالیاتی به چنین احکام خاصی پایه‌بندی نشان می‌دهند. مگر اینکه در اطلاعات اعلام شده از سوی موذی مسئله مشکلی کشف شود.
وظیفه پرداخت به موقع مالیات
از شما انتظار داریم:
- مالیات خود را به طور کامل و در زمان مقرر پرداخته؛
- باقیمانده مالیات را که در نتیجه رسیدگی یا تجدید رسیدگی تشخیص داده می‌شود، به طور کامل پرداخت کنید؛
- در صورتی که با وجود استفاده از تمام امکانات معقول جهت تامین و جهت از موانع نسبت به پرداخت مبالغ باقیمانده اقدام کنید، در این صورت با ما همکاری کنید تا توانستیم در ترتیب قابل قبولی جهت انجام این اقدام به نمایه تبعیض نماییم;
- مالیات هایی که در مراقبت مربوط به موقع کسر و تادیه نمایید و در صورتی که وقایعی خارج از ارادة شما در طول پرداخت شما مؤثر واقع شده است، در اسرع وقت ممکن به ما اطلاع دهید تا ترتیبات مناسبی جهت کمک به شما اتخاذ شود.

عواقب عدم تمکین به وظایف قانونی
- اگر شما به تهدیدات مالیاتی خود عمل نکنید، قانون ممکن است مجازات‌ها و خسارات دیرکرد در مورد شما اعمال نماید و در موارد جدی تحت الامتحان تعقیب کیفری نیز وجود دارد.

سرنوشت لایحه تشکیل جا معاونت مالیاتی
م. اکباتان

سال گذشته لایحه ای از سوی دولت به دوره هفتم مجلس شورای اسلامی تقدیم شده که هدف آن ایجاد تشکیلاتی نظیر جامعه حسابداران رسمی، کانون و کلا و نظیر آنها برای مشاوران مالیاتی بود.
من لایحه به قراری که از مذاکرات جلسه مورخ 21 مرداد ماه مجلس بر می‌آید، به قرار زیر متن لایحه به قراری که از مذاکرات جلسه مورخ 21 مرداد ماه مجلس بر می‌آید، به قرار زیر
بوده است: «به منظور ارتقاء فرهنگ مالیاتی برداخت کننده مالیات و راهنمایی صحتی مدیران بانک‌های اقتصادی بر مبنای قوانین و مقررات مالیاتی کشور و ارائه خدمات مشاوره و نمایندگی مورد نیاز آنان در ادارات و مراجع مالیاتی نهایی به نام "جامعه مشاوران رسمی مالیاتی ایران" تأسیس می‌شود.» 

تا یا پذیرش اعضاّی نیز، در این باره فعالیت نماید. این مراجع ذیربط دولتی مکلف پس از آن‌ها بره‌نمایندگی معنی‌داری از سوی مودبان مالیاتی با مشاوران مالیاتی عضو جامعه در حوزه وظایف قانونی خود و در حدود مقررات مالیاتی با آنان همکاری نماید. اساسنامه‌تام جامعه و آین نامه مربوط به نحوه انتخاب، آزمون، شرایط عضویت، شرک و وظایف اعضای جامعه و چگونگی ارائه خدمات آنها و نیز ترتیبات مربوط به تهیه و صدور بره‌نامه‌ای نظر سوال از تاریخ تصویب این قانون توسط سازمان امور مالیاتی کشور تهیه و با پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیات وزیران خواهد رسیده» (مخصوصاً مدارک جلسه ۲۱ مرداد ۳۷ ص ۱۷) 

به این ترتیب لایحه مرور به‌دست روزانه‌ای اثر مشترک مطرح می‌شود که جامعه را تشکیل دهنده می‌شود. 

۱. استحصال‌های مفاهمه‌ای - در بخشی از مذاکرات مجالس گفته می‌شود: "یکی از عمده ترسیم مشکلات که نهادهای اقتصادی و اجتماعی در یک‌دیگر دست داشته‌اند آن‌جا این است که ما از فضائی از استحصال مفاهمه و روش‌ها مواجه شده‌ایم." به‌طور کلی، این کمیته‌ها، نهایی کرده ام اما محتوای آنها را استحصال کرده ام‌بی‌بی‌بی، به‌طور کلی، این کمیته‌ها، نهایی کرده ام‌بی‌بی‌بی، به‌طور کلی، این کمیته‌ها، نهایی کرده ام‌بی‌بی‌بی، به‌طور کلی، این کمیته‌ها، نهایی کرده ام‌بی‌بی‌بی، به‌طور کلی، این کمیته‌ها، نهایی کرده ام‌بی‌بی‌بی، به‌طور کلی، این کمیته‌ها، نهایی کرده ام‌بی‌بی‌بی، به‌طور کلی، این کمیته‌ها، نهایی کرده ام‌بی‌بی‌بی، به‌طور کلی، این کمیته‌ها، نهایی کرده ام‌بی‌بی‌بی، به‌طور کلی، این کمیته‌ها، 

وظیفه دارند امر مالیاتی را تشخیص بدهند و تسجيل بکنند ...» (ص ۱۸ میرفی مذاکرات) 

مفهوم این بیانات این است که در صورت تصویب لایحه مورد بحث بخشی از حاکمیت دولت در امور مالیات به جامعه مشاوران مالیاتی - که بکه نهاد غیر دولتی خواهد بود - متعلق می‌شود. در تفابه ضمن حفظ ظاهر امر که مالیات را مقوله‌ای در حیطه حاکمیت دولت تلقی می‌کنیم، با توسیع به این تدبیر قانونی قسمتی از حاکمیت را به بخش خصوصی انتقال می‌دهیم. در جای دیگری از مذاکرات
گفتگو شده است: «نتیجه تصویب این لایحه این می‌شود که به تدریج تمیزی و تشخیص به‌عده بخشی خصوصی می‌افتد و مضر است» (ص ۴ ستون دوم)

۲. تهیه کرای پایانی بازنشستگی: به این معنی که هدف تدوین کنی‌گاران لایحه یادشده در واقع این بوده است که برای کرای پایانی بازنشستگی حرف شغل دانی دست و پا کنند. در متن مذاکرات می‌خوانیم: «حتی به وجود آوردن نهادهای خصوصی و یا کمک به ایجاد نهاد حرف‌هایی بازنشستگی دست‌گاه‌ها دولتی یا خارج از کسی که در آستانه بازنشستگی بوده اند. از طریق قوانین برای دوران بازنشستگی خودشان کاری را دست و پایه اند» (ص ۱۸ - ستون دوم) و در جای دیگر: «یقیناً یک مرکز مشاوران این چنین به نظر می‌رسد یک چیز جدید و باکیفیتی برای استفاده طولانی‌مدت بعد از بازنشستگی ...» (ص ۲۰ ستون اول)

۳. افزایش فساد: به نظر این کنی‌گاران این ابراه تشکیل جامعه مشاوران مالیاتی و رسیدت دادن به وکلای مالیاتی فساد آفزایش: «به‌خصوص که در یک بسته آلوده به فساد متسناها گرفته‌ایم. مهار تعداد قلیان می‌باشد، مراقبت از آنها، کنترل های بیشتر، چندان مشکل تبدیل که وقتی شما خواهید خیلی علائمی از افراد را که به این ترتیب جاوی‌گیرند مراقبت بفرمایید. کار سخت می‌شود، احتمال زد و بند این طرف میز و آن طرف میز تشدید می‌شود و مصلحت به نظر نمی‌رسد...» (ص ۲۴ ستون دوم). و نماینده دیگر: «من خواهش می‌کنم به دلیل که فساد بیشتر نشوید ... به این لایحه رای تدئیم دیه‌کی که توسط امالیات در مجلس جمل شهر» (ص ۲۰ ستون اول)

۴. عدم نیاز: از قول نماینده ای آمده است: «کسی که می‌خواهند مالیات بدهند نیازی به مشاوره ندارند. می‌روند و حج می‌کنند و به هر جایی هم که خواهند متسول می‌شوند» (ص ۱۹ ستون دوم) و در جای دیگر: «اگر کسی می‌خواهد با کسی برود مشورت کند، مگر ما با کسی قبل مشورت کند؟ با مصرک که خواست می‌روند مشورت می‌کنند» (ص ۲۳ ستون اول)

۵. روش‌های آرجی: ضمن مخالفت های ابرازی با لایحه گفتگو شده است که راه صحیح تر ایجاد مراکز مشاوره در درون سازمان‌های مربوط و با استفاده از کارکنان هم‌اندازه است: «من به نظیر می‌رسد که
راه حل مؤثر و کارسازی وجود دارد. در این وضعیت خاص و رکود و کنندی اقتصادی مرد است که نشان دهنده همه موظفان تشکیل دهنده این موضوع در مورد این موضوع مطرح می‌کنند. به راهنمایی و مشاوره مورد اختصاص بدهد. خوب، نتیجه آن این است که این موضوع بدنکننده سرنگونی و همچنین دولت بایستی آن به یک کار مفيد و ضروری چه راهنمایی و روش‌گری و کارگرانی مورد است

اختصاص پیدا می‌کند (ص 21 صوت دوم)

در مشارکت‌های مذاکرات، اظهارات موافقان لایحه و پاسخ های آنان به ایرادهای طرح شده نیز آنقدر است که از قبیل نظم و کمک بی‌خیال بی‌خیال نیست، بیانات معاون مجلس وزارت امور اقتصادی و دارایی در این زمینه دارای احساس نسبی بی‌خیال است که قسمتی از آن به این شرح است: «اگر جامعه تشکیل نمی‌شود که بی‌بی‌باین جدا می‌شوند و جای کمک می‌بینند. به هیچ عنوان من لزوم، ممکن که چنین خودشان هستند. اعمال حاکمیت خودشان را انجام می‌دهند. تشخیص خودشان را انجام می‌دهند. امضاء این مشاوره‌ها به هیچ عنوان سندی برای می‌بینند و تشکیلات سازمان امور مالیاتی نخواهد بود. فقط و فقط برای بحث مشاوره است» (ص 27 صوت اول)

این جملات از باقی اظهارات موافقان مفهوم ترسیم و پراکنده‌گی کم تری دارد. بسیار بهتر بود که قضایی به‌طور کامل تر و منسجم تری شکافته‌ها می‌شد. در این باب چند نکته قابل ذکر است:

1. مسائل اختیارات مراجع مالیاتی: جامعه مشاوران مالیاتی در صورت تشکیل مؤسسه‌ای نظیر کانون و کلاسی دادگستری می‌خواهد بود. آیا وجود این کانون سبب شده است که بخشی از اختیارات و صلاحیت‌های قضایی و قوه قضاتی به کلاه دادگستری منتقل شود؟ اصحاب دعوی برای خود وکیل می‌گیرند که با علم به قانون و آن‌های دادگستری و زیر وب کار محاکم از حقوق آنان دفاع کند. به کار قاضی و اختیارات او در این میان خالی وارد نمی‌شود و او می‌تواند دفاعات و کلی را در صورتی که غیر وارد تشخیص دهد رد کند و خلاف آن را بدهد، چنان که عین این جریان پاره و بارها در سیر دادگستری می‌باشد رشته چه می‌دهد و نثار می‌می‌گردد.

از سویی دیگر هم اکنون در امور مالیاتی و کلی مداخله می‌کند. از یک طرف همان و کلی اکنون دادگستری و کالای در امور مالیاتی را بپوی می‌کند و مراجع مالیاتی هم از قبول و کالا آن انتخاب نمی‌نماید. تکنیک مهم ترمداخله شمار انتوه از وکلای غیر رسمی مالیاتی است. مداخله و کلی در امور‌ن می‌تواند مثربد بود. این موضوع شامل ۲۳۸ صریحاً می‌باشد:

شماره مسلسل ۲۷ بهار ۱۳۸۲

44
گروه: در مواردی که بزرگ تشخیص مالیات صادر و به موردی ابلاغ می‌شود، چنانچه مورد نسبت به آن متعارض باشد می‌تواند طرف روز از تاریخ ابلاغ شخصاً یا به وسیله وکیل نام اختیار خود به اداره مالیات مراجعه و با ارائه استاد و مدارک کافی تقاضای رسیدگی مجدد نماید. نمونه دیگر مادة 179 است. به موجب آن: "کارمندان وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان امور مالیاتی کشور در دوره خدمت باین‌امادگی با خدمت نمی‌توانند به عنوان وکیل یا نمایندگان مورد مراجعه نمایند. مفهوم مختلف این حکم آن است که به استثنای این گروه معین باقی افراد جامعه در صورتی که فاقد موانع وکالت نباشند، می‌توانند به عنوان وکیل مورد اقدام کنند.

به این ترتیب قانون مالیات ایران حین نسبت به مقررات مربوط به وکالت در محاکم قضایی هم می‌دان عمل وسیع تری را قابل شده است. وکالت در دعاوی مطرح در محاکم مخصوص به وکلای دادگستری است و غیر از آن‌انه اقرای اطراف دویوی می توانند به عنوان وکیل مراجعه کنند، حال آن که در مورد مراجعات مالیاتی احصاء معینی قبیل نشده است.

بنا بر این تشکیل جامعه مشاوران مالیاتی تغییر در اصلاح مداخله و کیل نخواهد داد و نتیجه مهم آن سامان بهمیختن به همین حرف از پیش رایج و مجاز این است. آینده نیست که یک سازمان قانونی با نظرات مراجع صالح جریانات مربوط به این حرف را به نظام در آورد، اشخاص واحدها صلاحیت های لازم را به عنوان اعضای خود پذیرند، کار آنها را تحت کنترل قرار دهد و در عین حال مرجع شکایتی هم وجود داشته باشد برای کسانی که از کار همین و کلا احساس پیشرفت می‌کنند؟

از طرف ایجاد جامعه یا کانونی به این شکل ابداع و اختیار وزارت دارایی نیست. در تمام کشورهای پیشرفته سازمان های مشابهی وجود دارد که سابقه کار آنها در مواردی به پیش از یک قرن می‌رسد. مسئله را به نحو دیگری می توان مطرح کرد. به فرض که همین امور کانون و کلای دادگستری را منحل کند و یک‌گونه هرکس می تواند آزادانه و کیل انتخاب کرده و به محاکم بفرستد، آیا در آن صورت کار منظم تر، بی عیب و نقسه تر و بوروزه منزه تر می شود؟ چه کسی می‌تواند به این پرسش باصغ مثبت بهده؟

2. اما داستان تهیه کار برای باشنده‌ستکان:

اولاً - بر اساس کدام قرینه ای می‌توان از هم اکنون گفت که جامعه مشاوران مالیاتی در صورت تشکیل به احصاء باشنده‌ستکان در می آید و یا باشنده‌ستکان اکثریت را در آن حائز می‌شوند؟ برای
مقایسه کانون و کلای دادگستری و جامعه حسابداران رسمی را در نظر بگیرید. آیا در این دو مؤسسه اکثراً با یکدیگر اشتیاقاتی است؟

اثبات - اگر تعدادی بیشتری از جامعه به عضویت پذیرفته شوند، عيب اصولی و منطقی آن چه خواهد بود؟ اعضای جامعه حقوق برخی دولت نخواهند بود و از کار شخصی و خصوصی خود ارتقای خواهند کرد. گذشته از این اگر فرد بازنشسته ای از مهارت ها و اطلاعات لازم در زمینه مسائل مالیاتی برخوردار باشد، هم اکثریت که جامعه مشاوران مالیاتی تشكل نشده است بهتر و بی قید و بند نمی توانند کالد محدودیت را بر عهده گیرد و مانعی بر سر راه او نیست. همان ماده ۱۷۹ قانون مالیاتی با عباراتی که دارد به طور ضریح صلاحیت بازنشسته ها وزارت دارایی را یارای و کالد مالیاتی پذیرفته است.

۲۳ عدم نیاز - چنان که دیدیم در مذاکرات مجلس گفته شده است مالیات دهنده نیاز به مشورت ندارد. آیا واقعاً چنین است؟ و محدودیت مالیاتی نیاز به مشورت ندارند؟ تصویر نمی رود پاسخ منفی به این سوال زحمت زیادی بخواهد. البته این درست است که برخی از محدودیت خود ورود کافی به مسائل مالیاتی داشته و نیازمند و کلی نمی باشند. در اینصورت چنین افرادی خود پیگیر کار خوشی بوده و به اعضای جامعه مشاوران مالیاتی هم رجوع نخواهند کرد. اما تعداد محدودیت نیازمند به مشاوره انده که نیست و بهتر است آنان به کلیپی که حداقل کنترل بر کارشان وجود داردMEMORY: دسترسی داشته باشند.

البته در این بحث از یک نکته نمی توان غفلت مانند. فرصت کنی به جامعه مشاوران مالیاتی تشكل شود. آیا مثلاً افرادی از سوی خواهند کرد مشاوره و کالد مالیاتی را محدود به اعضای همین جامعه کنند (مشابه وضع وکلاه دادگستری در خصوصی و کالد در دعاوی) یا خیر؟ ساده تر بگویم، آیا قوانین محدودیت خواهند داشت هر شخصی را بخواهند خارج از جامعه مشاوران مالیاتی به کالد در امور مالیاتی خود برگیرند یا نه؟

به نظر نگارنده پاسخ سوال مثبت است، زیرا ماده واحده مورد بحث عبارتی ندارد که از آن مفهوم انحصار برآید. از طرفی همان موانعی از قانون مالیاتی های مستقیم که راجع به کالد مالیاتی اند و قیلاد با آنها اشاره کردیم و کالد مالیاتی را از طرف هر شخصی قول کردیم. پس این ماده واحده (در صورتی که تصویر می شود) نمی توانست انحصاری از این بابت پیدا آورد. از سویی آتینامه اجرائی موضوع ماده واحده هم مصوبه هیات وزیران می بود و نمی توانست موارد مربوطه قانون را نقض کند.

شماره مسلسل ۲۷ بهار ۱۳۸۲
4. افزایش فساد - این نظریه همان‌گونه که دیدیم مبتی بر چند فرض است، نخست این که مداخله وكل سیب تنبیه با ماموران می‌شود. وی اولاً تعیین چنین فرضی به تمامی اکثر موارد محل تردد است. ثانیاً هم اکنون تعداد زيادی کلی مالیاتی وجود دارد و امکان فساد کلی موجود است. نهایاً بحث بر ترکیب یک جامعه ویژه به نظم در آوردن کار و کلی مالیاتی است. قابل قبول نیست که بگویم به سبب ایجاد این نظم کار فساد بالا نتواند بگردد. فرض دوم این است که تعداد ماموران مالیاتی کم تر و محدود تر از شمار و کلی مالیاتی خواهد بود و مهار تعداد کم تر سهولتر خواهد بود. نیازی به گنگنت نیست که چنین فرضی درست نباشد و در هر حال تعداد ماموران مالیاتی بیش از کلی مالیاتی خواهد بود. گذشت از این باز تکرار می‌کنیم که کلی مالیاتی هم اکنون وجود داردند و مشکلی که اشاره می‌کنیم حتی در صورت صحبت بدون تکثیر جامعه مشاوران مالیاتی هم یا برخی خواهد بود. نکته جالب و در این حال شکستگی این که یکی از مخاطبان این که مشاوران کوئی دفاع کرده و گفته است: «احترام مشاورین فعالی و نزد همه ما وجود دارد، خدای ناخواسته، کسانی که مشاوره می‌دهند همه را به نمی‌دانند، حتی تکلیف‌ها داشتن آنها احتمال به لین قانون‌نگار» (ص 24 ستون دوم). به نظر وی ایجاد جامعه احتمالی فساد بیشتر می‌شود (هنمان محل).

5. رجحان ارجاع کار به سازمان مالیاتی - مفهوم پیش‌هد طرح شده این است که کار مشاوره مالیاتی را سازمان امور مالیاتی خود بر عهده گیرد و کارکنان خود را به این کار بگمدد. اول این بحث بسیار قدیمی است و جنگ بار در وزارت دارایی مطرح شده و مرکز پرای راهنمایی مورد احتیاج به وجود آمده است (نگارش‌های در دوره‌ای همین سمت را دارا بود). اما هیچ چیزی که تا کنون موفق نبوده اند و هر وقت نتوانسته اند و وجود رایگان بودن توجه مؤذن را از مراقبه به کلی مالیاتی سلب کنند. ثانیاً این چک اندازه‌ای بسیار روایتی و دور از واقعیت است که فرض کنیم کار راهبرد حقوق بیگ و نیمارمان امور مالیاتی تمام و استعدادی و تعلق خاطر به سازمان مربوط خویش را فراموش کند و با خلوص نیست نه با موانع مؤذن - که خالی از تفاوت‌ها لفظی در مقابل منافعی سازمان مالیاتی قرار دارد. فکر کنید و با چند دیگر این دفاع نماید، بوزه که تعهد او در پراب موذی چنین محسوس نیست و این نکته طبیعی‌است. میزان نتیجه وی خواهد کاست.

علاوه بر همه این بحث ها، یک نکته مهم ثابت در رابطه با وکلای مالیاتی مطرح است که محرک بزرگی
برای ترجمه آنال با شمار می‌رود. وجود وکیل رسمی که از شناسایی قانونی برخورد این مورد مراجع مالیاتی را به احتیاط و ملاحظه کاری وادار. جریان ناخوش آینده که جه بخواهیم و جه نخواهیم در ادارات ایران بسیار رایج است (و مناسفانه عیبی‌ای جزیی از فرهنگ کلی و کاملاً جا افتاده‌باشد) رفتاره که چنین ماهیم با مراجعه، بورزه مراجعه باین بپنء، این یکی از نمایندگان در این خصوص بسیار محاطه‌ترین می‌گوید: یک موضوع دیگر هم در رابطه با کار مردم است. برابر این که یک آدم برود و با یک میزی یا مانند آن بنشیند سعی ها وقت تلف می‌شود، هزینه هایی دارد دوبه‌سراهای دارد. خذای ناکردته و یحت لیجاد می‌شود، مثل سردر مورد، احتراق مورد، مهین و بسیاره که نماینده مجلسی به آن اشاره می‌کند می‌تواند مبتلای را مزادرد، متون به درستی ادای مطالب کند، جزئیات امر را متواند دریافت کند و امثال آن در پرای پیک و کلی رسمی رفتار سامان درخواهد و ناخواهند خواهد کرد. یکی از علل مهم مراجعه مردم به وکیل همین نکته روانی است.

فوتبال، مواد مخدر و مالیات

دیگو مارادونا (Diego Maradona) ستاره فوتبال آرژانتین از شهرت جهانی برخورد است و بسیاری از فوتبال دوستان دنبای وی را می‌شناسند. او در سال 1984 آرژانتین را به سوی قهرمانی جام جهانی هدايت کرد و بین سال‌های 1985 تا 1991 به عنوان عضو تیم ناپل ایتالیا توب می‌زد. در سال 1991 کشف شد که وی کوکایین مصرف می‌کند و به همین مناسبت عضویت او در تیم ناپل به حال تعقیب درآمد. پس از چندى مسائله به‌دهی های مالیاتی وی (بابت درآمدبایه‌ای 1383) شماره مسلسل 27 بهار
روبرو است. 
چون سخن از گریز مالیاتی و فوتبال در میان است، بد نیست به کشور دیکری در همان آمریکای لاتین سر به رنگ، دادستان کل قدردار مکزیک دستور توافق رئیس فدراسیون فوتبال آن کشور به نام آلبرتو بلا توره (Alberto de la Torre) را در رابطه با اتهام فرار از مالیات صادر کرده است. این دستور به دنبال یک سلسله تحقیقات گسترده روی پرونده مالیاتی تهیم مهم فوتبال مکزیک به نام اطلس صادر شد که ریاست آن نیز در دوره مورد نظر با آلبرتو تامبردبعوده است. جمع بدهی مالیاتی اطلس معادل 2/4 میلیون پزوی مکزیکی تعیین شده که آلبرتو و هشتم مقام دیگر تیم باینکنتان تحت تعقیب قرار گرفته است. دفاعی که این اشخاص به آن متوسل شده اند این است که گویا حسابداران گفتند بوده اند که درآمدی سپرده مصرف نمی‌کردند. 

دریافتی طی سال‌های مذکور) در مراجعات مالیاتی آمریکا مطرح و یک‌پیگیری شد و موضوع به محاکم آن کشور کشید. پس از طلایی مراهق‌دارسی‌ای‌های پژوهشکده‌های مارادونا به شکست انجامید و دادگاه آمریکا مجمع به‌دست مالیاتی او را برای ۲۰ میلیون یورو (حدود ۴۰ میلیون دلار) تعيین و ابلاغ تسویه. وکلای مارادونا رای‌یکی نطقه ضعف پرونده انجام گذاشته بودند و آن این که به بهترین تشخیص، با اوراق مشابهی مبتنی بر مطالبه مالیاتی به موردی ابلاغ شده است. اما پس از تحقیق معلوم شد لایق یک اختلال مالیاتی به یو ابلاغ شده و آن هنگامی بوده است که در سال ۲۰۰۱ مارادونا به آمریکا سفر کرده و پلیس مالیاتی آن کشور در فروندگاه لئوناردو داوینچی در رابطه با همین امر به دیدار وی شتاب‌های بوده است. اکنون مشکل بر این این است که مارادونا هیچ دارایی در قلمرو آمریکا ندارد و به همین سبب وصول مالیاتی از وی با دشواری
پای بندي به قانون در رابطه با ماموران مالياتي

م. کنچنامه

اصطلاح تمكن به قانون مالياتي نشابا در رابطه با ماموران مالياتي به کار می رود. وی در مواردی این مسلمان از ارتباط با ماموران مالياتي نيز مطرح و مورد بحث است. در ایران، مانند بسیاری از کشورها، عدم تمكن گروه های از مذکور مهاجر مسلمان بوده و هست. توصیه مذکور به انواع ترفندی، گریز مالياتی، اقتصاد زمینی و نظارت آنها مقولات مزمن و شناخته شده هستند که

پیشرفت تکنولوژی و وسایل امکانات جديد هم موجب سهيل آنها را فراهم ساخته اند.

اما در آن سوی قضیه مسائل پای بندي ماموران به همان قانون مالياتي نيز می تواند مطرح باشد. در مواردی میزان این پای بندي در رابطه با حقوق مذکور چندان شاينان توجه نيبست. کارهايي مانند

رد کردند دفاتر مذکور به معادل کوچک امر استنادي و نادر به شمار نمی رود. اين مطلب

موجب کردن موارد تشخيص علی الراسم و اتوبو دعاي مطرح در مراجعه حل اختلاف می

گردید. برگشت دادن هزينه های مذکور به يکی دلایل غير محكم و اصولي نيز در همين رديف قرار

دارد. منشور داشتن در آمدهاي فاقده مدرک و دليل كافی برای مذکور هم مقولة ديگري است که

مورد آن انديك نيبست. تقابيق کار در مورد ابلاغ اوراق مالياتي كه عواقب آن بويه دهending

مذکور کوچک می گردد، مسائل ديگری است که همگان از آن آگاهند.

غالباً برای ساده كرد کار و گریز از حل ريش اي و اصولی مشكلات، رسم بر این است كه گناه

را گردن قانون يابندارند و در اين باب بتويستند و نخسن بگويند. ولى حقيقت اين است كه قانون

ايران توجه زيادي به حقوق مذکور مبذول داشته است. به عنوان نمونه ماده 237 قانون ماليات

هاي مستقيم را مثال می آوريم:
برگ تشخیص مالیات باید بر اساس مأخذ صحیح و متکی به دلایل و اطلاعات کافی و به نحوی تنظیم گردد که کلیه فعالیت‌های مربوط و در آمده‌ای حاصل از آن به طور صریح در آن قید و برای مورد روشن باشد. امضا کننده گرگ تشخیص مالیات باید نام کامل و سمت خود را در برگ تشخیص به طور خواسته قید نمایند و مسئول منداده‌ها گرگ تشخیص و نظارت خود از هر جهت خواهند بود و در صورت استعمال مجدد از نحوه تشخیص مالیات مکلف خاند. جزئیات گزارشی را که مبنای صدور برگ تشخیص قرار گرفته است به موجب اعلام نمایند و هرگونه توضیحی را در این خصوص بخواهد به او بهند. 

این ماده مشخص از تأکید بر حقوق موردی است و چا دور که جمله به جمله به کلیه آن مورد بحث و تفسیر قرار گیرد. بر آن تکیه بسیار صورت یافته تا به عنوان یک فرهنگ در اذهان راسخ گردد. اما همه می دانیم که وجود قانون به تنهایی کافی نیست و تبییر و دگرگونی مکرر آن تهی می تواند آشفتگی در امور را یافته آورد. نکته مهم اجرای مناسب و ماهرانه قانون است. در برخی از کشورها قواعد و مقررات بسیار کهن‌های وجود دارد که هنوز مبنای کار محاکم و مراجعه به شمار می‌روند و این مراجعه به همت مهارت و استادی و صرافت طبع و عقل سلیم همان ضوابط و قواعد را مناسب شرایط زمان حاضر تعبیر و اجرای آن کنند بسی آن که مشکل پیش آید. مثال های آن بسیار است. نمونه ای که آگاهی خوادنگان از آن بیشتر می‌باشد که بر اساس آن دادگاه‌ها در آراء Common law است. مورد مربوط به انگلستان و خود به احکام قضایی قرن های گذشته استادی مناسبی کنند. در تقاضای از سرزمن‌های وابسته به امبروئری متفرق شده که هنوز است برعکس از ضوابط و قواعد آن زمان به نحوی در آراء محاکم مورد توجه قرار می‌گیرد.

پیگیر یپداختن به تبییر مکرر قانون توجه به مشکلاتی لازم است که نتیجه عملی کار با یک عیب و ایراد مواجه می‌شود. اسباب و علیه را که موجب چنان ناهنجاری‌هایی است می‌توان با بی طرفی تمام و به اصلاح به شیوه ای علمی کشف و دقت تحلیل نمود و آنگاه دید که تحت شرایط چاری
اجتماع، فرهنگ عمومی، مشکلاتی که ماموران با آنها مواجه انده و عوامل مؤثر دیگر، نا چه اندازه و چه حدی می توان آثار این عوامل را بر طرف ساخت و یا لاقل آن را تقلیل داد. ترددی نیست که دست کم قسمتی از موجبات بروز مشکل را می توان از همین طریق یافته و به درمان آن برداخت. چنین گامی بسیار مؤثر تر و ریشه ای از این درهم یافته است.

در اینجا بی مناسبی نیست به مقدار بخشانه ای اشاره کنم که شامل گذشته از سوی مدیریت مالیاتی کشور صادر شده و موضوع آن همین مشکلات و نارسایی ها بوده. این بخشانه که حتی آن در همین شماره از مجله گنجانیده شده است - نکات جالبی دارد که به نحو موجز برشی از آنها اشاره می کنم:

1. در مقداره بخشانه چهار هدف برای صدر آن ذکر شده است: رعایت قانون، تسریع در کار، جلب رضایت و تأمین مصداق بخشانه و کاهش دعاوی مالیاتی.

2. رؤسای ادارات مالیاتی مكلف شده اند بر امر تشخیص مالیاتی نظرات مؤثر داشته باشند تا قانون به درستی رعایت شود.

3. ماموران مالیاتی نیز موظف شده اند اگر اقدام به ره دفتر می کنند اگر هزینه ها را برگشت می دهند، اگر قرائن و ضرائب مالیاتی تبعین می کنند و اگر درآمدی برای مؤسسات منظور می نمایند دلیل و موجبات این اقدامات خود را به طور صحیح در گزارش مالیاتی قید کنند.

4. مدیران کل امور مالیاتی بایستی با استفاده از اختلافات خود به کوشش اختلافات مالیاتی را تحت المقدور با خود قرار دهند و از ارجاع پرونده به مرحله حل اختلافات انجام دهند.

5. تأکید شده است که همه بن سه قطعیت مالیات (بصیره 2 ماده) ۱۹۰۰ با دیکرتال رعایت شود.

6. نکته جالب دیگر تأکید بسیار بر سر این نکته است که جلسات هیات حل اختلاف با باید حضور هر سه نفر اعضای هیات تشکیل شود و دستور داده شده است که اعلانی بر همین اساس در اتاق جلسات هیات صادق گردد تا زا گزینی از این دستور بسته شود و مؤذی بداند که جلسه بدون حضور هر سه نفر رسیده ندارد.

7. و البته مجازات ها و عواقب منفی عدم رعایت این دستور ها برای متخلفان نیز قند بار بیان آوری
شده است.

مراتب و دستورهای مؤکد همین بخشانه ضمن آن که صحیح و مثبت به شمار می‌رود، در عین حال شاهدی است بر آنچه بالا تر اشاره کردهم. همچنین دستورها مبتنی بر قانون مالیاتی‌فکلی است، چنان که در اغلب بندهای بخشانه به مبنای قانونی مربوط ارجاع داده شده است. بنابراین قانون در رابطه با مشکلات موضوع همین بخشانه عیب و نقصی ندارد و عیب کار در عمل پیدا می‌شود. بررسی این است که آیا علاوه بر صدور بخشانه، که خود کار لازم و درستی است اقدام اساسی دیگری ضرورت ندارد؟ آیا پس از یک قرن که از ظهور مشروطه و نظام جدید اداری ایران می‌گذرد، هنوز وقت آن رسیده است که افراد مطلع و اهل خبره آگاه و دارای احساس مستقلیت گام‌گذاری شوند تا ریشه‌ها و علل ادامه‌ی چنین ترتیباتی را با شیوه‌ای علمی بررسی و تحلیل کنند تا شاید دست کم برخی از عوامل پایه‌ای وجود این اوضاع و احوال درمان گردد و از میزان مشکلات کاسته شود؟

مالیات و مردم‌ افاساته‌ای روسیه

(بخش نخست)

این ماجرا در دو بخش ارائه گردید:

داستان را از ابتدا امروز مکمیم. در آغاز دهه نود در استانه فروباشی اتحاد شوروی، صنعت نفت آن کشور از صدها واحد و مؤسسه‌های دولتی جدا از یکدیگر تشکیل می‌شد که هر یک در رشته و محودعه خاصی مخصوص

خبر مرتب به توقف طولانی‌مدتی می‌خیالید

خادار کوفسکی مرد شماره یک فئرد و گاز روسیه به انتهای نقاب و گریز مالیاتی به طور پراکنده در رسانه‌ها منعکس شده و موجب شگفتی مردم جهان را فراهم ساخته است. در این مقاله سعی خواهد شد تصویر کامل تری از
شرکت نامبرده، سهام قابل توجیهی در هشت شرکت توسعی نفت در مناطق مختلف روسیه نیز به آن واگذار شد. اما یوکاس در عین حال وارد تمام نقاط منفی شرکت‌های پیشین نیز شد: به‌دهی‌های بسیار زیاد، پرسنل بسیار بیش از حد نیاز و فاقد کارآمدی و غیره. علاوه بر این مشکلات جدیدی را نیز تجربه کرد و آن ناسازگاری بین مؤسسات ادامه شده از حیث روش کار، سنت‌ها و نحوه‌های برخورد با مسائل و نظایر آنها. در نتیجه یوکاس با وضع وخبی روبرو شد و از جهت مالی با چنان مشکلاتی برخورد نمود که تولید آن به نحو قابل ملاحظه‌ای کاسته شد و مدت‌ها حتی نمی‌توانست حقوق ماهانه کارکنان خود را پرداخت کند.

آن‌ها فکر خصوصی سازی یوکاس به میان آمد و این فکر پس از مزایده‌های سال‌های 95 و 96 پیاده شد و یوکاس به تصرف سرمایه‌گذاران روسی و خارجی ددی. مدیر قابلیت شرکت (سرگئی مورالنکو) در تاریخ 1996 از مقام خود مستعفی و به سمت رئیس‌های مدیره منصوب گشت و سروکلا شخصی به نام میخائل خادارکوفسکی - که قبلاً رئیس‌های مدیریت‌های یکی از بانک‌های روسیه بود - پیدا شد و به مقام ریاست‌های اجرایی یوکاس درآمد. وی به سرعت تغییرات قابل ملاحظه‌ای در سرتاسری شرکت به عمل آورد و آن را به مؤسسه‌ای عظیم به تقلید از آورده و اغلب این موسسات با کارآمد و سوددهی اندکی و با تعداد بسیار نیز کارکنان فعالیت می‌کرده‌اند، پس از تغییر رژیم در اتحاد شوروی دولت روسیه تصمیم گرفت اقداماتی را جهت فرع این نقاص چشمه‌گیر به عمل آورد و بوزش موادهای ادامه عمودی موسسات پراکنده مذکور که در قالب شرکت‌های مدرن نفتی فراهم آورد. به این منظور به موچی فرمان شماره ۲۵۴ مورخ ۱۵ آوریل ۱۹۹۳ شرکتی عظیم به نام یوکاس (Yukos - YKoc) پایه گذاری شد.

یوکاس از ادامه دو شرکت از مهم ترین شرکت‌های نفتی موجود بود که به این سهم را در عمليات بالادستی و باین دستی نفت و گاز (بی‌پروا اكتشاف و استخراج از زیر طرف و تصمیم و توزیع از سوی دیگر) بر عهده داشتند Yugansneftegas و آن دو عبارت بودند که در مناطق وسیع از سبیری به استخراج نفت و گاز استنسل داشتند و در هر پایگاه از منطقه Kuibyshevnefteorgsintez رود ولگا در اطراف شهر کوبنیف (سامارای امروزی) در رشته‌تیم کشف نفت و پتروشیمی فعالیت می‌کرد. نام یوکاس از ترکیب نام‌های این دو شرکت به وجود آمد است (یو از شرکت اول و K و O از نام شرکت دوم). شرکت یوکاس در آغاز یک شرکت کاملاً دولتی محصول می‌شد و علاوه بر این بردن تمام دارایی‌ها و امتیازات و فعالیت‌های دو
انجام می‌دهند. تعداد مراکز توزیع نفت و گاز شرکت به ۱۰۰۰ می‌رسد.
یوکاس فعالیت خود را به خارج از روسیه نیز توسه داده است. ۴۹ درصد از سهام شرکت ملی لوله‌های نفت اسلاوکی (به نام ترنس پترول) و ۴۵٪/۷/شرکت نفتی بتنولی (به نام Mazeikiunefta) به یوکاس تعلق دارد.
میزان تولید نفت خام یوکاس در سال ۲۰۰۳ به ۸۰۸ میلیون تن، یعنی از ۲۰٪ کل تولید فدراسیون روسیه (به طور متوسط روزانه قریب ۱۷۲ میلیون بشکه) بالغ گردید.
در همین سال میزان تصفیه شرکت معادل ۲۸٪/۱ میلیون تن نفت خام، برابر ۱۶٪/۱ کل روسیه بوده است. در سال مذکور ۶۱٪/۷ نفت استخراجی یوکاس به خارج صادر و باقی در داخل تصفیه شده و یا به اشخاص ثالث فروخته شده است. قسمت اعظم صادرات به اروپا و خاور دور، پویژه چین، بوده است.
علاوه بر این یوکاس در صنعت برق نیز فعالیت دارد و فعالیت‌های مالی گستردگی ای نیز از طریق بورس‌های مالی داخلی و خارجی انجام می‌دهد. از این‌ها مهم‌تر و اساسی‌تر مشترکت خادار کوفنسکی در مجتمع معدنی آپاتیت - آتانیت است. آپاتیت نام شرکت کوچکی است در شهر جزیره کلمسکی (Kolski) همگوار شمال فنلاند. این شهر در منطقه کوهستانی Khibinsk واقع است. خیبینسک

نتیجه‌ی آن ایجاد ساختاری مشکل‌زا چهار جزء بوده‌ی نسبت داده و دستگاه مرکزی شرکت که مدرک کل مؤسسه‌ی را بر عهده گرفته. دوم یوکاس مسکو که تصدی عمليات بالادستی (اکتشاف، استخراج و تولید) بر عهده‌ی آن مجموعه‌ای می‌باشد. سوم یوکاس AP عهده‌ی دار کلیه عملیات پایین‌دستی (پالایش نفت و گاز، پتروشیمی و توزیع). چهارم یوکاس RM می‌باشد که فعالیت‌های بین‌المللی یوکاس بر عهده‌ی آن قرار گرفت. ضمناً یوکاس سهام کلیه سهامداران شرکت های پیشین را بازخرید کرد و در مقابل از سهام شرکت جدید بانان واگذار نمود.
یوکاس جسورانه‌ی دامنه‌ی فعالیت و نفوذ خود را در تمام جهات گسترش داد. فرض از لحاظ منطقه‌ای، شرکت توانست علاوه بر مناطق مرضرب به اسلاف خود (دو شرکتی که از آنها بالاتر نام بردهم) مناطق بسیار جدیدی را نیز به محدوده کار خود اضافه کند. به این معنی که افزون بر نواحی وسیعی از سیبری غربی و منطقه ولگا، سرزمین‌های چندی را در سیبری شرقی و شمال دور روسیه به دست آورد. هم اکنون بنج بالا‌پیشگاه عظیم نفتی روسیه از منطقه ولگا گرفته تا منطقه دریایی باکال در شرق سیبری به یوکاس تعلق دارد. ۱۸ شرکت توزیع نفت و گاز نیز از آن یوکاس است و عمليات توزیع را تا مرحله‌ی بام بنرین
البته این فقط یک یخی از مجموعه ماجرا است که تا کنون منتشر شده است و گروه هنوز به درستی روش نیست که در مجتمع مذاکر مجموعه چه فعالیتی هایی در جریان است و ماجرا در پرده ای بهام قرار دارد.

همین مخترع میزان اهمیت یوکاس و گردانندگی اصلی آن می‌خواهی خادار کوفسکی را نشان می‌دهد. وی به برترین ترین مرد روسیه دلش بدر و بزرگ ترین سه‌ماند یوکاس هم خود اوست. سرما و داران غربی بسیار به آمریکاییان، بسیار روي احساس می‌کند و همواره تمامی زیادی به سرمایه گذاری در یوکاس نشان داده اند. اکنون چه ماجرا یبرخورد خصمانه دولت روسیه با یو بی میان آمد است، بیش از همه موجبات نگرانی و اعتراض غربی را فراهم آورده است.

مسالمه مالیات علیه اصلی برخورد مذکور بوده است. مطالبات مورد ادعای وزارت مالیات روسیه نخست به مبلغی حدود یک میلیارد دلار بالگرید. هم به تدریج موارد دیگر از تخلفات مالیاتی یوکاس مطرح شد و جمع مبلغ مطالبه مرتب رو به افزایش رفت که در زمان تنظیم این مقاله به حدود ۴۴ میلیارد دلار رسید. باقی مطلب را در شماره آینده با توجه به آخرین رویدادها دنبال خواهیم کرد و در اینجا به ذکر یک نکته اکتفا می کنیم: در مزایده‌ای که چند سال قبل برگزار شده بود و منجر به فروش شرکت‌های عمدته نتفی روسیه قدم‌های ترین سلسله جبال موجود در کره زمین به شمار می‌روید و در آن مجموعه‌های بسیار غنی از زلزله‌های مختلف یافته می‌شود، چنانکه گفته می‌شود مجموعه زلزله‌های و شبیه زلزله‌های جدول مندلیف را در این منطقه می‌توان یافت.

چنین وضعیتی در سراسر جهان منحصر به فرد به شمار می‌رود. مجتمع آبادان برای بهره برداری از این منابع تشکیل شده بود، اما با به عوامل مختلف کار آن موفقیت امیز نبود و در آستانه ورشوکستگی قرار داشت، چنان که حقوق کارکنان خود را ماه‌ها به عقب می‌انداخت. در سال ۱۹۹۴ خادار کوفسکی توانست ۲۰ درصد سهام این مجتمع را به دست آورد که به این مناسبت هم مورد تعقیب است، زیرا گفتیم شود و یک کار را به طرح غیر قانونی انجام داده است. به هر تقدیر، بس از ورود خادار کوفسکی کار مجتمع رونق گرفت، چنان که به یکی از مؤسسات عمده صنعتی روسیه بدل شده است. یکی از مهم ترین فراورده‌های مجتمع سوپر فسفات است که از لحاظ تامین کود کشاورزی در جهان یک نظیر است. در مجتمع آبادان موارد معدنی تغییر شده و به صورت کنستانته در می‌آید و پس این کنستانته با افزودن ترکیبات آسیدی به سوپر فسفات تبدیل می‌شود. این یکانه موردی است که در جهان سوپر فسفات از طریق فرآیند صنعتی قابل تولید می‌باشد.
است که ۴۴ میلیارد دلار فقط بابت مالیات از همان خریدار مطالبه می‌شود. (باقی در شماره آینده)

به خدارکوکسکی و باران او شد، مبینه که آنها پرداختند فقط حدود ۲۵۰ میلیون دلار بود، مکانی عظیمی از نفت روسیه را به مفت به چند جنگ آوردند، اکنون پس از گذشته چند سال محدود کار به جائی رسیده.

نامه‌نامه‌های پست الکترونیک فصلنامه مالیات

1. maliyat@maliyat.zzn.com
2. ecbatana61@hotmail.com

قوانین، بخش‌نامه‌ها و سایر مقررات مالیاتی

(در ارتباط با مقالات این شماره از فصلنامه)

مقررات مالیاتی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۸۳/۳/۲۵

بند اول ماده ۲ - دولت مکلف است سهم اعتبارات هزینه‌های تأمین شده از محل درآمد‌های غیر نفتی دولت را به گونه‌ای افزایش دهد که تا پایان برنامه چهارم اعتبارات هزینه‌های دولت به طور کامل از طریق
درآمدهای مالیاتی و سایر درآمد‌های غیر نفتی تأمین گرد.
بنب ماده ۲ - تأمین کسری بودجه از استقراض از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سیستم بانکی ممنوع می‌باشد.

ماده ۲ - برق‌گیر هرگونه تخفیف، ترجیح و یا معافیت از پرداخت مالیات (اعم از مستقیم یا غیر مستقیم) و حقوق ورودی علاوه بر آنچه در قوانین مربوطه تصویب شده است برای اشخاص حقیقی و حقوقی، از جمله دستگاه‌های موضوع ماده ۱۴۶ قانون در طی سال های این برنامه ممنوع می‌باشد. [ملاحظه از دستگاه‌های موضوع ماده ۱۴۶ کلیه سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی محسوب می‌شوند]

بند «و» ماده ۷ - نقل و انتقال سهام در ارتباط با اجراي بند «و» این ماده (ناشی از ادغام، انحلال و تجدید سازمان) از پرداخت مالیات محافع است.

ماده ۸ - وجود حاصل از فروش سهام شرکت های دولتی در حساب خاصی نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به نام خزانه داری گل کشور تأمین می‌شود و به حساب های مربوط متقابل می‌شود:

۱

جه مادل بست درصد به عنوان حساب مالیات بر عملکرد شرکت مادر تخصصی ذیربت یا شرکت های تحت پوشش آن (حساب درآمدهای عمومی کشور) ماده ۱۰ - به مَنْظُورِ ایجاد ساختم مالی مناسب در بانک‌ها و فروع آن‌ها امکان حضور مستمر بانک‌ها در بانک‌های بین‌المللی هم‌واره، پایین اضافه‌تر و از زمینه‌های سرمایه‌ی بانک‌ها در دست کیفیتی‌یک، و ابزار تعمیم می‌کند. رعایت شود، بنیان‌گذاری بانک‌ها در مورد، هرگونه کم‌افزایش و سود اوراق مشارکت ویژه و ... و تا زمانی که نسبت کیفیت سرمایه‌های بانک‌های دولتی کمتر از حد کلی تغییر شهد ... اساس، به همه مالک مالی مالپشت درآمدها از محل مالیاتی و هم سود دولت از این بانک پس از انحلال به حساب خزانه داری کل غیر از محل اختیاری که دبودجه‌های سنتی پیش‌بینی خواهد شد، به صورت تخصیص یافته به مَنْظُورِ ارزش سرمایه دوی ده سال آن بانک واریز خواهد شد ....

بند «د» ماده ۳۳ - برق‌گیری هرگونه مالیات و عوارض برای صادرات کالاهای غیر نفتی و خدمات در طول برنامه ممنوع می‌باشد. دولت مجاز است به مَنْظُورِ صیانت از منابع و استفاده بهینه از آنها، عوارض ویژه‌ای را برای صادرات مواد اولیه فراوری ویژه وضع و دریافت نماید. تشخیص این قیبل مواد بر عهده‌سازی مشترک وزارت دارایی، امور اقتصادی و دارایی، صنایع و معدن و چهار کشوری و تحویل هیأت وزیران تعمیم و تصویب خواهد شد.

بند «و» ماده ۳۵ - مبادلات کالا بین مناطق آزاد و خارج از کشور و نیز سایر مناطقی از کلیه حقوق ورودی، عوارض (به استثنای عوارض موضوع ماده ۱۰ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۷۷/۱۳۷۹) و مالیات معاف می‌باشد.
به منظور دستیابی به تحقیق اساسی در حوزه اجرای نظام مالیاتی کشور و اتخاذ
ترتیباتی که مبتینی بر رعایت قوانین و مقررات و تسريع فرآیند قطعیت مالیاتی بوده و
متصور حصول اهدافی از قبیل افزایش رضایتمندی و رشد نرخ تکمیل مؤدیان و کامیار
پرورنده های ارجاعی به هیأت های حل اختلاف مالیات باشد، مقرر می دارد:
۱. رئیس‌ای ادارات امور مالیاتی در راستای مسئولیت هر مندوچ در ماده ۱۱ آثانتانیه اجرایی ماده ۲۱۹ قانون مالیاتی های مستقیم نظر مستمر حوزه را به منظور حسن اجرای مقررات، بوزده در مرحله تشخیص درآمده مشمول مالیاتی مؤتیادان، به طور مؤثر اعمال و واحدی‌ها تحت نظر را مکلف نمایند با بررسی اسناد و مدارک و دلالی مؤتیادان و همچنین سوابق موجود از بروز اختلاف مالیاتی که سابقه ظهور و رفع اختلاف داشته، اکنداً اجتناب و مطابق مقررات موضوع و تصمیمات متخذه در موارد مشابه، اقدام نمایند.

۲. مأموران مالیاتی که وظیفه تشخیص درآمده مشمول مالیاتی به آنان محول شده است مکلفند در موارد تشخیص درآمده مشمول مالیاتی از طریق رسیدگی به دفاتر قانونی، دلایل برگشت یا عدم قبول هزینه و یا احتساب هرگونه اقلاهم به عنوان درآمده سال مورد رسیدگی و یا تجدید محاسبات و ملاحظاتی که منجر به افزایش درآمده ابرازی مؤدبی یا کاهش زیان می‌کرده را صریحاً در گزارشات مالیاتی قید نمایند.

همچنین در موارد تشخیصی با مرجع رأس، به طور صریح نسبت به عدم امکان تعمین درآمده واقعی بر اساس رسیدگی به دفاتر و اسناد و مدارک ابرازی یا به دست آمده اظهار نظر نموده و متعاقباً دلایل انتخاب قرینه یا قرینه مالیاتی و رقم آنها و ضرایب عمومی (ابا ذکر ردیف و صفحه) را همراه با توجه به کافی در گزارش خود قید نمایند.

به هنگام درآمده مربوط به عنوان تخلف از انجام تکلیف قانونی که در تصویره ۲ ماده ۷ و ماده ۸ قانون مالیاتی های مستقیم بیان صورت گرفته باشد قبیل خواهد بود. مطالعه مالیاتی از مؤدبی که مکلف به کسر و ایصال مالیات اشخاص ثالث می‌باشد وفق مقررات و بر اساس گزارش رسیدگی که در آن به مستندات و مبالغ پرداختی و حتی المقدار نام دریافت کننده وجه (صاحب درآمده) اشبارش شده باشد صورت گیرد.

۳. مراجع کل امور مالیاتی با استفاده از اختیارات مندرج در تبیصره ماده ۴۲ آثانتانه اجرایی موضوع ماده ۲۱۹ قانون مالیاتی های مستقیم ترتیبی اتخاذ نمایند تا اختلافات مؤدبیان حتی المقدور بدون ارجاع پرونده به مراجع حل خل اختلاف مالیاتی رفع، و توافق و تمکین مؤدبیان با رعایت قوانین و مقررات موضوعه تحصیل گردد.
بدری است در ارزیابی عملکرد مدیران کل و معاونین مربوطه و رئیس‌های امور مالیاتی، میزان همکاری هریک از مقامات ذکر از راستای تحقق اهداف پیش گفته می‌تواند نظر قرار خواهد گرفت.

۲. به مدیران کل امور مالیاتی مؤمکن‌اکانتی یادآوری می‌نماید:
الف) نظر به این که حساب قسمت اخیر بی‌صرفه ۲ ماده ۱۹۰ قانون مالیات های مستقیم را سیدیگی و قطعیت یافتن مالیات مؤمکن می‌باشد حاکم حد اکثر ظرفیت سال از تاریخ تسخیر اعتراض آن‌ان صورت پذیرد، لذا تجاوز از مهلت مقرر به قابل اغماض نیوده و رعایت مقررات لازم‌التشخیص مستلزم رفع سریع اختلافات مالیاتی توسع مقامات نیصالح تا سطح مدرک امروز مالیاتی و همچنین برنامه ریزی و زمان بندی مراحل مربوط به دعوت از مؤمکن و طرح پرونده دهی‌های خال اختلاف مالیاتی و مهلت‌های مندرج در متن قرار و ارجاع، و اجرای به موقع قرار‌گیری صادره خواهد بود.
ب) به حکم بی‌صرفه ۱ ماده ۲۳۴ قانون مالیات های مستقیم رسیدبیج لجنس‌هایی مالیاتی از همه‌بر احتراف مالیاتی (به منظور رسیدگی به اختلافات مالیاتی عمکری سال ۱۹۸۱ و سالهای بعد) متوقف به حضور هر چه نفر عضو هیأت بوده و تشکیل جلسات هیأت به دستور حضور هرکه از اعضای احیاء شده در ماده ۲۳۴ قانون مالیات های مستقیم به عنوان متقابل در مقررات تلقی و آراء صادره توسط هیأت هایی که به صورت رسمی تشکیل نیافت باشد فاقد و جرایف قانونی بوده و نافذ نخواهد بود.
ج) مجدداً خاطر نشان می‌سازد که از تشکیل جلسات بدون حضور هر چه اعضا حضور هر چه اعضا شرایط در هرکه از ادارات کل به تشکیل جلسات صبیح، متناسب با حضور هر چه عضوی اکتفا و در صورت لزوم اوقات معرفی می‌گردد. به مؤمکن‌اند، ترتیبی اتخاذ فرمایید تا اطلاعیه‌های پیوست با قابلیت رؤیت مؤمکن در محل تشکیل جلسات هیأت نصب گردد.

دفتر نظارت بر امور هیأت‌های حل اختلافات مالیاتی و اجرایی‌های ضمن نظرت مستمر بر
نحوه تشکیل هیأت‌ها مربوط به مقررات مالیاتی به شرح می‌آید:

غلام‌رضا حیدری کریم زنگنه

سایت‌های فصلنامه مالیات در شبکه جهانی

سایت فارسی ما در شبکه جهانی (اینترنتی) دارای سه صفحه اصلی و ده‌ها صفحه فرعی می‌باشد. در صفحه اول سایت معرفی اجمالی از مجله مالیات و خود سایت به عمل آمده و نحوه استفاده از سایت به اختصار بیان شده است. صفحه دوم سایت به شماره های پیشین مجله مالیات - یکتا ۲۶ - اختصاص دارد و از طریق آن می‌توان هر یک از شماره‌های کاشت‌شده مجله را احضار کرد و مورد مطالعه قرار داد. صفحه سوم سایت مختص دوره جدید مجله - از شماره ۲۷ به بعد - است. برای مطالعه مطالب این دوره باید از طریق صفحه سوم اقدام نمود.

بخش انگلیسی مجله دارای دو سایت جداگانه است: سایت اول به دوام قبیل فصلنامه یعنی از شماره اول تا ۲۶ مربوط است و سایت دیگر دوره جدید مجله (از ۲۷ به بعد) را دربر دارد.

http://maliyat.homestead.com
http://maliyat.triplod.com/tax

نشانی سایت فارسی:

http://e-tax.tripod.com

سایت اول انگلیسی (از شماره اول تا ۲۶): ۲۷ به بعد)

فصلنامه مالیات یک سایت اضافی دیگر برای هدف نشانی پست الکترونیک به خواهندگان خود نیز دارد که آدرس آن چنین است:

www.maliyat.zzn.com

پایان بخش فارسی شماره ۲۷
Taxpayers' charter of rights and obligations

Iranian tax law, as in many other countries, does not have a separate charter of taxpayers' rights and obligations. Provisions regarding rights and obligations of taxpayers are scattered throughout the tax law. The author elaborates on this theme and advocates the idea of adoption such separate and explicit charter. The model charter developed by the OECD Committee of Financial Affairs has been introduced as a sample and general guidance in this respect.

Draft of the law concerning tax advocates

Tax advisors and consultants practice their profession freely without being recognized as such by the law or being organized and supervised under a legal enactment. Few months ago draft of a law was proposed by the Finance Ministry to bring tax practitioners under a statutory umbrella. But, the parliament rejected for certain reasons, which are criticized in this article and the author defends the idea of creating a legal society for tax lawyers.

Compliance of taxmen with the law

The subject studied under this article is the degree of compliance of tax officials with relevant laws, especially those related to rights of taxpayers. The study is based of a circular letter issued recently by tax organization on the same subject.

********

Sites of Maliyat journal in the Internet

Three separate sites are built for Maliyat journal in the Internet. The first one is for the Persian section of the magazine and two others relate to the English section. One of the English sites covers the first phase of the journal that is for numbers 1 to 36. All those issues are included in the site, in addition to some information about the site, the magazine, etc. The last (third) site is built for the new phase of the journal, namely from the issue No. 37 onwards. Addresses of the sites are as follows:
Persian site: http://maliyat.homestead.com
First English site (1 to 36): http://maliyat.tripod.com/tax
Second English site (37 onwards): http://e-tax.tripod.com
Abstract of Persian Articles

Editorial
With the present issue of Maliyat journal, this publication enters a new phase of its life. The editorial deals with this subject and explains how we could manage to renew our journalistic work and what course of action will be taken in the future.

Tax and fourth development plan
The law on fourth development plan was approved by the parliament few months ago. The author elaborates on tax provisions of the plan especially those establishing new strategies in this field, namely the necessity of raising the share of taxation, instead of oil revenue, in financing government expenditures and using the tax as means of redistribution of income, and thus securing social justice and stability. A similar article is provided in the English section.

Forthcoming amendment of the tax law
The parliament and the government have recently announced their intention for revising the Direct Taxes Act. As a step towards this purpose, all competent persons and institutions are invited to propose their views in this regard. Maliyat journal has come forward with a number of proposals, one of which is contained in this article. The subject dealt with here is the flat rate of corporate taxation. Since the Iranian tax law has no imputation system, flat rate would impose equal degree of burden on large and small companies, and consequently of reach and poor shareholders. This weakness of the law is tackled by the author and graduate rates of taxation are proposed as a way of rectification.

Education and taxation
The importance of education of tax staff is emphasized in this article. The author criticizes the current type of education given to taxmen and recommends direct embarking of tax organization on this duty, which is presently handled by a separate institution.
tributing income, and therefore, for achieving the goals of social justice and alleviating economic inequities.

The circular in question specified some detailed objectives, including not only the goals prescribed by the fourth development plan but also several other objectives that, according to SOTA, will further the achievement of those goals. Those additional objectives include, among others:
- the introduction of new tax sources;
- more efficient methods for tracking taxpayers and their actual income;
- incentives to encourage voluntary compliance by taxpayers;
- measures to reduce the incidence of, and motives for, tax evasion;
- more severe legal sanctions for tax law violations;
- the cancellation of unnecessary tax exemptions;
- the simplification of tax regulations to make them easier to understand and execute, and to reduce the likelihood of differing interpretations;
- more effective legal provisions on taxpayer documentation and reporting requirements;
- the elimination of unnecessary formalities and a shortening of the deadlines for the finalization and payment of taxes;
- more effective prosecution of tax offenders in judicial forums; and
- the cancellation of all tax regulations that are repeated in different, nontax regulations, and the inclusion of the applicable regulations in a single tax code.

The previous revision of the tax law addressed mainly economic objectives, the most important of which was to encourage economic activities in the private sector. In that connection, there were two amendments in particular: an immediate reduction of the corporation tax, from 64 percent to 25 percent (the dividends of shareholders are fully tax-exempt), and a very favorable tax abatement for major construction companies and the owners of building complexes. The only tax imposed on them is a small percentage of the price of each unit at the time of transfer. No other taxes, including income tax, are levied on those entities. Even the rental income from units in building complexes is tax-exempt (except in very rare cases). Now the law must move in a new direction: insuring more revenue and securing social justice.
board should be present, otherwise the session shall not be competent to examine the case.
Against that clear rule, in some cases only two members are present at the board session. The circular of the State Organization of Tax Affairs refers to this procedure as an illegal practice, which may become subject to prosecution. Beside that, some declarations (or warnings) are attached to the circular and the boards are instructed to affix them on the wall of the room where the sessions are held, so that taxpayers can easily see the content of these papers.

A PLAN FOR MAJOR TAX REFORM

by M. Alvandkouhi

Iran’s State Organization of Tax Affairs (SOTA), a juridical agency affiliated with the Ministry of Economic Affairs and Finance, and the main body responsible for taxation (and for enacting measures related to tax requirements), recently issued a circular announcing the government’s plan to revise the Direct Taxes Act, Iran’s principal tax law, to achieve the goals prescribed by the Law on the Fourth Economic, Social, and Cultural Development Plan of the Islamic Republic of Iran.
Tax regulations in that law require the government to increase nonoil revenues so that current expenditures are fully financed through taxes and other nonoil revenues by March 2009, the end of the period covered by the fourth development plan. More specifically, the quantity tables attached to the law require the government to increase annual tax revenues, as a whole, by 250 percent.
The social provisions of the plan also assign another duty to the government. They state that taxation should be used as an instrument for redis-
and tax assessment officers.
From time to time the tax organization comes forward with instructions
to all concerned for correcting their practices and paying more attention
to the regulations of the law. One example of such interferences is a cir-
cular letter issued by the State Organization of Tax Affairs (SOTA). This
organization is the highest tax organ supervising over all tax affairs of
the country. The following are most interesting points of the said cir-
cular:

a) At the beginning the aims of the circular are described as: realization
of basic changes in tax system of the country, adopting arrangements for
increasing the degree of compliance with laws and regulations, acceler-
ating the process of finalization of tax cases, achieving the aims such as
satisfaction of taxpayers and securing their voluntary compliance and
cutting down the number of tax cases that are to be reviewed by the
boards for settlement of tax disputes.

b) Under the circular, tax officials are instructed to refrain from rejection
of statutory books of accounts and tax records of taxpayers if there are
no justifiable reasons for that purpose. The same rule should be observed
in respect of nonacceptance of taxpayers’ expenditures, or inclusion of
additional income for them. None of such actions are allowed except
when taken on basis of fair justification. Those violating the instruction
will become subject to prosecution.

c) Tax departments are ordered to do their best for winning the consent
and compliance of taxpayers, and to refrain from sending tax disputes to
relevant settlement forums, as far as possible. It has been emphasized in
the circular that records of tax officials with respect to this matter will be
taken into account for their promotion.

d) Another interesting point in the circular pertains to the composition of
the board for settlement of tax disputes. According to the Article 244 of
the Direct Taxes Act, every Board of Settlement of Tax Disputes shall
consist of three members: one representative from the State Organization
of Tax Affairs; one judge, whether active or retired, and a person intro-
duced by civil institutions that represent the interests of different groups
of taxpayers. Note 1 to the same article 244 states clearly that “the quo-
rum for the sessions of the Board of Settlement of Tax Disputes shall
consist of three members”. This means that all three members of the
whose scope widens everywhere due to possibilities granted by technological developments.

But the problem of noncompliance with tax law extends, in some degrees, to tax officials as well. Legal rights of taxpayers are not always duly taken into account. Some common examples of such negligence are as follows:

1. Nonacceptance (rejection) of taxpayers’ statutory books of accounts and other tax records on basis of vague and negligible grounds. In such cases the ex-officio assessment is unduly resorted to as a way of assessment of taxable income. In cases where there is no way to reject the books of accounts, they would try to reject the expenditures of taxpayers and consider them nondeductible as far as possible. Sometimes the reasons given for this type of behavior are weak and unfounded.

Of course one must not attribute such practices to shortcomings of tax regulations. Iranian tax law pays due attention to taxpayers’ rights. As an example, we can refer to the Article 237 of the Direct Taxes Act (principal tax law of the country) which reads:

"Tax assessment notice should be drawn on a correct basis and must be substantiated by sufficient evidence and information, in a manner to reflect manifestly all related activities and incomes derived therefrom, so that to be clear for the taxpayer. Those signing the assessment notice must record their full name and position in a readable manner thereon, and they shall be responsible for the contents of the assessment notice and for their own opinion in every respect. In case of inquiry by the taxpayer about the manner of assessment, the aforesaid persons shall be required to announce details of the report constituting the basis of tax assessment and have to furnish any explanations the taxpayer may request in this respect."

The problem should be sought in the degree of compliance with tax law by tax officers. Treatment of officials is not, certainly, the same in all cases. But in some cases the assessment notices are devoid of characteristics specified by the aforesaid article 237. Some incomes may be imputed to taxpayers without mentioning viable justifications and reasons. The amount of information and justification provided to taxpayers may also be negligible.

Such failures with regard to taxpayers’ rights are sometimes repeated in the forums responsible for settlement of tax disputes between taxpayers
Tax as means of redistribution of income

Establishment of social justice and stability and alleviation of social and economic inequality are the goals followed by the chapter 8 of the law on fourth development plan. The government is required, under the regulations of the same chapter, to take all necessary measures and adopt appropriate policies for achieving the said goal. "Tax policies with the aim of equitable redistribution of income" has a remarkable place among those measures and policies (paragraph "b" of the article 95). This also can be considered a strategic rule of the fourth development plan.

The government is obligated to review relevant laws and prepare draft of amendments, or new laws, for realization of the policies in question.

For the purpose of achieving both strategic goals of the fourth plan the government has to revise tax laws and regulations, bring about necessary reforms in tax organization and remove various shortcomings that may preclude efficient discharge of tax administration’s responsibilities.

Taxmen and compliance with the law

By: M. T. Hamadani

Noncompliance with tax law is a term usually used in connection with taxpayers, but sometimes it can be attributed to tax officials as well. In Iran, like many other countries, the failure of taxpayers to abide by tax law has always been a well known issue. Resorting of taxpayers to various kinds of tax avoidance tricks, keeping false records and books of accounts, vast cases of tax evasion, underground economy and similar maneuvers are, and always were, recognized as well-spread phenomena,
has clearly obligated the government to take all necessary measures, so that to reach that goal at the end of the period of the plan. The text of the law reads:

"The government is required to raise the share of non-oil resources in financing its current expenditures, so that such expenditures be completely financed through taxes and other non-oil revenues up to the end of the fourth plan."

It should be noticed that other non-oil revenues (other than taxes) referred to in the above paragraph are not so considerable, and thus the burden would mostly rest on tax revenue. Paragraph "b" of the same article 2 has deprived the government from other undesirable source of financing as well. It says:

"Financing budget deficit through borrowing from Central Bank of Islamic Republic of Iran and banking system is prohibited."

Thus, the government has to stop resorting to banks (either domestic or foreign) for financing its expenditures, a restriction that would lead to more emphasis on tax revenue.

We should also refer to the article 4 of the same law, which reads:

"During the years of this plan no abatements, preferences or exemptions from taxes (whether direct or indirect) and import duties, except those already approved under relevant laws, shall be granted to real and juridical persons, including organizations mentioned in the article 161 hereof." (organizations mentioned under the article 161 are the government organizations and companies, but municipalities are not included in the article).

Article 4 can be considered as complementary to the aforesaid paragraph "a" of the article 2. Since the latter paragraph provides for considerable increase in volume of tax revenue, door should be closed to new and additional abatements and exemptions.

A side aspect of the issue must also be taken into account. Suppose the government would succeed in achieving the goal prescribed by the said paragraph "a" of the article 2. Such a huge success would shut the door to previous practice, namely resorting to oil revenue for financing current expenditures of the government. Nobody would dare to say that the period of the fourth plan is expired and its regulations are no more obligatory. The new approach that would rely on taxes instead of oil revenue will continue, unless serious obstacles would arise.

Based on that argument, the ruling of the law of fourth plan in this specific regard can be considered a strategy not restricted to the period of fourth plan, but rather a long-time one.
Taxation and fourth development plan

A substitute for oil revenue
and an instrument for redistribution of income

By: Dr. Mohammad Tavakkol

Iranian fourth development plan passed the parliament on last October and was notified to the government for execution. The plan covers a five-year period beginning from 21 March 2005 and ending at 20th of March 2009. It had been approved by the previous (sixth) session of the parliament before, but the seventh session revised the plan and re-approved it in its present form. Full title of the law is "the Law on Fourth Economic, Social and Cultural Development of the Islamic Republic of Iran". It comprises 6 sections, 14 chapters and 161 articles. None of sections and chapters are independently allocated to taxation, but several articles inside some chapters are related to tax matters. The most important among them are paragraph "a" of the article 2 (in chapter 1) and paragraph "b" of the article 95 (in chapter 8). They include significant strategic regulations in the field of taxation, which are studied hereunder.

Tax as a substitute for oil revenue

That strategic goal is embodied in the paragraph "a" of the article 2 of the chapter one. Certain important issues are dealt with in this chapter. The first and most important is the emphasis on necessity of ending the process of financing government current expenditures by oil revenue. This process has been continuing for several decades in spite of being considered a negative point of the country's economy at all times. Freeing the economy from that undesirable phenomenon has always been a national aspiration, which is now embodied in the law of fourth development plan. The law is not confined to referring to this subject as a matter of principle, but it
IN THE NAME OF ALLAH

FROM THE PRESIDENT

We would like to greet again our readership after elapse of such a long time since publication of Maliyat journal was stopped. Leaving the journal was not a voluntary action; it was due to reluctance and procrastination of the ex-publisher and now we are glad for having opportunity again to resume conversation with our dear readership. For more than a decade we did our best to publish the journal by spending minimum resources, but at the same time very efficiently and in good circulation. Very soon we found our readership among a considerable number of tax officials, taxpayers, tax practitioners, students and academic circles.

After the publication of Maliyat journal was stopped, our readers contacted us many times and insistently wanted us to do something for republishing it. For the sake of those sentiments and our own cordial interest, we could manage to renew our journalistic work. We feel obliged to forward our gratitude to the State Organization of Tax Affairs and its honorable president for their appreciable assistance and support.

Our approach will be the same as before; a publication substantially academic, but at the same time regardful of practical aspects of tax issues.

At the same time, our endeavor for gradual improvement of quality of the journal’s content will also continue, so that to deserve kind attention and sympathy of our readership. By publication of this issue, Maliyat journal have begun a new phase of its life. But certain articles of the previous issue (No. 36) were unfinished and some readers have asked for remaining parts of them. For responding to that demand, we have resorted to the site of Maliyat journal at the Internet (specification of the site is given at the end of the English section). You can find full text of these articles under the electronic issue No. 36 of the journal.

Hopping to be successful in providing best services to the readership of Maliyat journal.

DR. ALI AKBAR ARABMAZAR